

مرجعیت علمی قرآن از دیدگاه امام خمینی (ره)

محمد علی محمدی

چکیده:

مسئله این پژوهش، چیستی، قلمرو، مبانی و چالش‌های «مرجعیت علمی قرآن» از منظر امام خمینی است. تبیین دیدگاه‌های امام در تنقیح و تثبیت مرجعیت علمی نقشی به سزا دارد زیرا ایشان در منظر شیعیان جهان، الگویی بی‌بدیل و اندیشه‌هایش برای غیر شیعیان و بسیاری از غیر مسلمانان اثرگذار و حائز اهمیت بود. تبیین مرجعیت علمی و تثبیت آن راه حل بسیاری از مشکلات جامعه و باعث مهجوریت زدایی از قرآن و ارائه فهمی عمیق‌تر از قرآن کریم خواهد شد. این پژوهش به لحاظ نوع تحقیق، بنیادی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. پژوهش فرارو نشان می‌دهد برای تثبیت مرجعیت علمی قرآن، ابتدا باید اهداف نزول قرآن تنقیح و سپس اهداف تعلیم و تعلم از علوم دیگر با اهداف قرآن کریم هم سو و قرآن مرجع آن علوم گردد. مهمترین هدف از نزول قرآن کریم، انسان‌سازی و رشد معنوی انسان است، همه دانشها باید در همین راستا هدفگذاری شود.

قلمرو مرجعیت علمی، شامل همه دانشها و قرآن کریم، مرجع همه علوم طبیعی و انسانی است. این تحقیق همچنین نشان می‌دهد، از منظر امام خمینی علوم عقائد، اخلاق و «علوم اصالی» و دیگر دانشها اگر در راستای علوم سه‌گانه قرار گیرند، «آلی» هستند. در متن مقاله به مبانی موانع و راهکارهای تثبیت مرجعیت علمی قرآن اشاره شده است.

کلید واژه‌ها: مرجعیت علمی، امام خمینی، علوم آلی، علوم اصالی، قرآن کریم.

بیان مسئله

قرآن کریم کتاب هدایتی است که همگان باید با مراجعه به آن، راه سعادت را بیمایند.^۱ کتاب الهی ما به بهترین راه ها هدایت می کند.^۲ و نعمت بزرگی است که پروردگار هستی، عطای آن را بر زمینیان منتی بزرگ می داند.^۳ از این رو همگان باید قرآن کریم را مرجع علمی و عملی خود قرار دهند. در مشکلات کوه افکن و فتنه های تاریک و مردافکن به قرآن پناه برند، آن را مرجع قرار داد و راه پاسخ مسائل و مشکلات را از آن بجویند.^۴ دانشمندان مسلمان ضمن تأکید بر «مرجعیت علمی قرآن» به فراخور توان علمی و عملی، همگی بر «مأدبه الله» نشسته و سعی کرده اند دانش های خود را به قرآن عرضه یا اصول دانش خود را از قرآن استخراج کنند؛ ولی در تبیین مفهوم مرجعیت علمی قرآن و حدود و ثغور آن کوشش کمتری به عمل آمده از این رو، «تبیین نشدن مرجعیت علمی قرآن»، مسئله ای است که باید در حل آن کوشید. در این بین با توجه به جایگاه امام خمینی، مسئله پژوهش فرارو، چپستی، قلمرو، مبانی و چالش های مرجعیت علمی قرآن از منظر امام خمینی است. حضرت روح الله بارها از لزوم بازگشت به قرآن، عرضه دانشها به کتاب الهی، منبع بودن کلام الله برای علوم، لزوم هماهنگ سازی اهداف علوم با اهداف نزول قرآن و... سخن گفته اند که این مباحث می تواند به مسئله پژوهش از منظر امام، پاسخ گوید.

اهمیت و ضرورت

حضرت امام خمینی رحمه الله، فقیهی ژرف نگر، حکیمی خردمند، فیلسوفی توانمند، سیاستمداری دوراندیش، رهبری فرزانه، عارفی الهی و از دانشمندان بزرگی بود که تاریخ مشابه ایشان را کمتر به خود دیده است. امام امت را می توان از زمره دانشمندانی برشمرد که امیر مؤمنان علیه السلام در مورد آنان می فرماید: «هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ وَ بَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ فَاسْتَسَهَلُوا مَا اسْتَوْعَرَ الْمُتَرْفُونَ وَ أَنْسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ وَ صَحَبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانِ أَرْوَاحِهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى أَوْلَيْكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الدُّعَاءُ إِلَيْ دِينِهِ آه آه شَوْقًا إِلَيْ رُؤْيَتِهِمْ»^۵ آنان با نور دانش به حقیقت ادراک و بصیرت رسیدند و جوهره یقین را با جان خود دریافته اند و آنچه را که بر افراد رفاه طلب دشوار می نمود راحت و آسان گرفته و با آنچه که ناآگاهان از آن بیم داشتند مانوس شدند. با بدن هایی همنشین دنیا گشتند که روح های آن ها به [قله های رفیع] عالم ملکوت پیوند خورده است. آنان جانشینان خدا در زمین او و دعوت کنندگان مردم به سوی دین اویند. آه! آه! چقدر مشتاق دیدارشان هستیم.

۱. وَ اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ» زمر / ۵۵.

۲. إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِنَبِيِّ هِيَ أَقْوَمٌ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ» اسراء / ۹.

۳. لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ (آل عمران / ۱۶۴).

۴. الکافی، ج ۲، ص ۵۹۹

۵- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، فی مدح بعض أصحابه، ص ۱۲۱

علاوه بر آنچه گذشت، بررسی دیدگاه های امام از آن رو مهم است که نه تنها برای شیعیان جهان مرجع و الگویی بی بدیل بود بلکه اندیشه های ایشان برای غیر شیعیان و حتی برخی از غیر مسلمانان نیز بسیار اثرگذار و حائز اهمیت است. در بین اندیشه های امام، بررسی نظریات آن راد مرد در باره مرجعیت علمی مهمتر و راهگشاتر است. در بررسی سخنان امام خمینی می توان دلایل زیر را برای ضرورت بحث از مرجعیت علمی قرآن شماره کرد:

۱. مرجعیت علمی قرآن و حل مشکلات جامعه

از نگاه نافذ پیر جماران، «مشکل بزرگ مسلمین این است که قرآن کریم را کنار گذاشته اند و تحت لوای دیگران در آمده اند».^۶ دوری از قرآن کریم مایه غالب بدبختی های جوامع اسلامی و راه حل مرتفع کردن بدبختی های مسلمانان، مراجعه به قرآن است و به تعبیر امام خمینی: «دوری دول اسلامی از قرآن کریم، ملت اسلام را به این وضع سیاه و نکبت بار مواجه ساخته و سرنوشت ملت های مسلمان و کشورهای اسلامی را دستخوش سیاست سازشکارانه استعمار چپ و راست قرار داده است»^۷

امام امت بر این باور بودند که: «قرآن باید در تمام شوون زندگی ما حاضر باشد».^۸ و این حضور بدون مرجعیت علمی ممکن نیست. برای تقرب به کتاب الهی و حضور این حبل ممدود در زندگی انسانها، باید قرآن کریم مرجعیت عمومی و علمی بیابد. وقتی می توان مسائل و مشکلات را به قرآن عرضه کرد و پاسخ قرآن را شنید که قرآن را عهده دار پاسخگویی علمی به مسائل و مشکلات دانست. مسلمانانی که تنها شأن کتاب الهی را قرائت آن به نیت دریافت ثواب می دانند یا بر این باورند که ظواهر قرآن حجیت ندارند، نمی توانند در راستای مرجعیت علمی قرآن گام بردارند.

۲. مرجعیت علمی و مهجوریت زدایی از قرآن

مهجوریت قرآن، مهمترین مسئله قرآنی جامعه معاصر و حتی در عصرهای پیشین بوده است. در قرآن شریف هم پیغمبر اکرم به خدای تبارک و تعالی شکایت کرده است: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا».^۹

۶. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۲۳.

۷. صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۸۶.

۸. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۳۹.

۹. فرقان، ۳۰.

اهمیت این مسئله به گونه ای است که برابر برخی روایات، یکی از حکمت ها و فلسفه های قرائت در نماز این است که قرآن مهجور نماند؛^{۱۰} این مسئله در عصر فعلی به گونه ای است که غالب دانشوران و دلسوزان از آن یاد کرده اند

به عنوان نمونه حضرت امام در این باره معتقد است:

«اسلام امروز مظلوم است و قرآن مهجور است. احکام قرآن مهجور است به اینکه در ماذنه ها اذان می گوئید و نماز می خوانید و اکثر احکام سیاسی اسلام را اعتنا به آن ندارید، از مهجوریت بیرون نمی رود قرآن ... قرآن باید در تمام شوون زندگی ما حاضر باشد... این قرآن را مهجور کردیم همه و اعتنا نکردیم به این مسائل^{۱۱}. عنایت امام به این مسئله را می توان با توجه به بخش اخیر جمله یعنی «مهجور کردیم همه» دریافت، آن بزرگوار تنها در صحیفه نور، ۳۰ بار از مهجوریت قرآن سخن گفته که نشاندهنده عمق مسئله از سویی و دغدغه امام امت از دیگر سو است.

بهترین راه برای مهجوریت زدایی از قرآن کریم، مرجعیت علمی قرآن است. اگر دانشمندان در همه زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... قرآن را مرجع، ملجاء، منبع، راهنما و مقصد بدانند، قرآن دیگر مهجور نخواهد ماند.

امام امت در این باره گوید:

قرآن و اسلام مهجور و مظلومند؛ برای اینکه مهجوریت قرآن و مهجوریت اسلام به این است که مسائل مهم قرآنی و مسائل مهم اسلامی یا بکلی مهجور است و یا بر خلاف آنها بسیاری از دولتهای اسلامی قیام کردند. از مسائل مهم سیاسی قرآن دعوت به وحدت و منع از اختلاف است- با تعبیرهای مختلفی که در قرآن کریم هست- منع تنازع بین مسلمین و سران مسلمین است که نکته اش را هم فرموده است که لا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِیْحُكُمْ^{۱۲}. ما بررسی کنیم به اینکه آیا این دو اصل مهمی که دو اصل سیاسی مهم اسلامی است، در بین مسلمین چه وضعی دارد. آیا مسلمین اعتنایی کرده اند به این دو اصل؟ و آیا تبعیتی کرده اند از این دو اصل مهمی که اگر اطاعت از آن بکنند، تمام مشکلات مسلمین حل می شود و اگر اطاعت نکنند فشل می شوند و رنگ و بویشان از بین می رود.^{۱۳}

از دیدگاه امام خمینی، مهجوریت قرآن دارای مراتب و درجات است و محروم ماندن از معارف عمیق قرآن به واسطه حجاب های غلیظ شیطانی، از همه تاسف بارتر است که رفع این حجابها جز با باور و اعتقاد به مرجعیت

۱۰. عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ أَمَرَ النَّاسُ بِالْقِرَاءَةِ فِي الصَّلَاةِ لِئَلَّا يَكُونَ الْقُرْآنُ مَهْجُورًا مُضْبِعًا وَ لِيَكُنْ مَحْفُوظًا مَدْرُوسًا فَلَا يَضْمَحِلُّ وَ لَا يُجْهَلُ (من لايحضره الفقيه ج ۱، ص ۳۱۰ / علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۶۰)

۱۱. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۳۹

۱۲. انفال، ۴۶

۱۳. صحیفه امام، ج ۱۶، ص: ۳۴

علمی قرآن میسر نخواهد شد. ایشان در کتاب «آداب الصلوه» مراتب مهجوریت قرآن، از جمله مراتبی که مومنان نیز بدان گرفتارند را ذکر و تأکید می کند قرآن کتاب الهی و در آن شوون الهیت است. قرآن حبل متصل ما بین خالق و خلق است و به وسیله تعلیمات آن باید رابطه معنویه و ارتباط غیبی بین بندگان خدا و مربی آنها پیدا شود. از قرآن باید علوم الهیه و معارف لدنیه حاصل شود.

حضرت امام در ادامه پس از اشاره به روایتی از رسول خدا که علوم را سه دسته می داند^{۱۴} ادامه می دهد: «قرآن شریف حامل این علوم است. اگر ما از قرآن این علوم را فرا گرفتیم آن را مهجور نگذاشتیم. اگر دعوت های قرآن را پذیرفتیم و از قصه های انبیا علیهم السلام که مشحون از مواعظ و معارف و حکم است، تعلیمات گرفتیم، اگر ما از مواعظ خدای تعالی و مواعظ انبیا و حکما که در قرآن مذکور است، موعظت گرفتیم قرآن را مهجور نگذاشتیم و الا غور در صورت ظاهر قرآن نیز اخلاص الی الارض است و از وساوس شیطان است که باید به خداوند از آن پناه برد»^{۱۵}

۳. مرجعیت علمی و فهم عمیق قرآن

راز این که بسیاری از مسلمانان و حتی دانشمندان علوم اسلامی، به فهم عمیق و تدبر دقیق در قرآن همت نمی کنند این است که هنوز قرآن کریم، جایگاه واقعی خودش در بین آنان را نیافته است. اگر دانشمندان علوم اسلامی، قرآن را ملجأ، منبع، ملهم و مقصد نهایی علوم می دانستند، از فهم عمیق این کتاب الهی غفلت نمی ورزیدند. از نگاه حضرت روح الله، صورت کتبی قرآن کریم، به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب، بی کم و کاست به دست ما رسیده است. از این رو همه دانشمندان بویژه اهل معرفت باید رموز قرآن کریم را کشف کرده و به دیگران نیز بیاموزند که این مهم در سایه مرجعیت علمی قرآن میسر خواهد شد.

از منظر امام، ابعاد و مراتب مختلف قرآن از دسترس بشر عادی دور است ولی دانشمندان در رشته های مختلف باید بر سر سفره قرآن نشسته و به اندازه فهم و استعدادهایشان از خرمن قرآن توشه گرفته و دانش الهی قرآنی را در اختیار مردم قرار دهند. اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لا یتناهای عرفان الهی و بحر موج کشف محمدی صلی الله علیه و آله بهره هایی بردارند. و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان با بررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده، در دسترس اهلس قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از «ادبئی ربئی»^{۱۶} دریافت فرموده، برای تشنگان این کوثر

^{۱۴} کافی، ج ۱، ص ۳۲

^{۱۵} آداب الصلوه، ص ۲۱۹-۲۱۸ با تصرف و تلخیص.

^{۱۶} - اشاره به روایت نبوی: ادبئی ربئی فأحسن تأدیبی (بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۸۲)

به هدیه آورند و آنان را مؤدب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه‌ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی لِّلْمُتَّقِينَ هدایت یافته‌اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند.^{۱۷}

ادبیات تحقیق

غالب فعالیت‌های انجام شده در باره مرجعیت علمی قرآن، در قالب نشست‌ها، و کرسی‌های ترویجی بوده است.^{۱۸} کتابی با عنوان مرجعیت علمی قرآن به شکل عام یا مرجعیت علمی قرآن از منظر امام خمینی یافت نشد؛ ولی مباحث عمومی هم راستا با مرجعیت علمی قرآن همانند حجیت قرآن کریم، منبع بودن آن برای دانشهای مختلف، لزوم اخذ کلیات علوم اسلامی از قرآن کریم، و دیگر مسائل و موضوعات مرتبط با مرجعیت علمی همواره مورد دغدغه اندیشه ورزان مسلمان بوده است.

به عنوان نمونه روایات عرض اخبار بر کتاب الله احادیثی هستند که می‌توانند در موضوعات مرتبط با «مرجعیت علمی» نقش آفرینی کنند؛ زیرا برابر این روایات، پیامبر اکرم (ص)^{۱۹} و دیگر معصومان از ما خواسته‌اند، هر آنچه از معصومان (علیهم السلام) رسیده است را بر قرآن عرضه کنیم و آنچه موافق قرآن است را بپذیریم.^{۲۰} هر چند از این روایات غالباً در دانش حدیث و درایه سخن به میان می‌آید؛ ولی بسیاری از روایات عام بوده شامل دیگر موضوعات و حتی شامل دیگر علوم هم می‌شود به عنوان نمونه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر حقی، حقیقتی دارد. و هر صوابی، دارای نوری است. آنچه مورد تأیید و موافق قرآن بود، پذیرا باشید و آنچه که مخالف قرآن بود را رها کنید.^{۲۱} پس اگر دانستنی‌هایی فلسفی، عرفانی، فقهی، تاریخی و... با قرآن مخالف باشد، باید به کناری نهاده شود. پس مرجعیت علمی به این معنا، ریشه در صدر اسلام دارد. سیره و روش جاری معصومان و به

۱۷. صحیفه امام، ج ۲۰، ص: ۹۳

۱۸. همانند:

(۱) کرسی ترویجی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (مورخ ۱۳۹۵/۲/۵) ارائه شده بوسیله دکتر غلامرضا بهروزی لک

(۲) سخنرانی دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی در همایش ملی قرآن و علوم انسانی یزد (زمستان ۱۳۹۵ دانشگاه قرآن میبد). و... رک:

مقاله پیش نویس مرجعیت علمی قرآن، رضایی اصفهانی

۱۹. پیامبر در حجه الوداع فرمود: قَدْ كَثُرَتْ عَلَى الْكُذَّابَةِ [الْكَذَّابَةُ] وَ سَتَكُثُرُ... فَإِذَا آتَاكُمْ الْحَدِيثُ فَأَعْرِضُوهُ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّتِي فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّتِي فَخُذُوا بِهِ وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّتِي فَلَا تَأْخُذُوا بِهِ دَرَوْغَ بَرْدَانٍ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْ زِيَادٍ شَدِيدَةٍ وَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ مِنْ زِيَادٍ شَدِيدَةٍ... وَ قَتِي رَوَايَتِي مِنْ نَقْلِ شَيْءٍ، أَنْزَلْتُ بِرِجْلِي عَلَى مَنْ خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّتِي، فَخُذُوا بِهِ وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّتِي فَخُذُوا بِهِ وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّتِي فَخُذُوا بِهِ... (محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۲، ص ۲۲۵)

۲۰. رک: محمدبن یعقوب کلینی؛ کافی؛ ج ۱، ص ۶۹. محمد بن مسعود عیاشی؛ تفسیر عیاشی؛ ج ۲، ص ۱۱۵؛ محمد حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۲۷، ص ۱۰۹-۱۱۲

۲۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ عَلَى كُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً وَ عَلَى كُلِّ صَوَابٍ نُورًا فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوا بِهِ وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ (محمدبن یعقوب کلینی؛ کافی؛ ج ۱، ص ۶۹)

عنوان یک اصل کلی و تغییر ناپذیر، نیز همین بوده که اگر مطلب یا باور و اعتقادی با قرآن مخالف بود، مورد پذیرش واقع نمی‌شد.^{۲۲}

با شروع نهضت ترجمه در بلاد اسلامی برخی از دانشمندان مسلمان نیز به دنبال تفسیر قرآن با استفاده از علوم طبیعی برآمدند.^{۲۳} تلاش‌های یاد شده برای هماهنگ‌سازی علم با قرآن و مرجعیت علمی به علوم اسلامی و انسانی اختصاص نداشته و حتی در علوم طبیعی نیز در موارد فراوانی این مسیر پیموده می‌شد. نمونه‌هایی از این تلاشها را می‌توان در آثار مکتوب بوعلی سینا مشاهده کرد.^{۲۴}

نکته قابل توجه این است که هرچند دانشمندان مسلمان سعی می‌کردند از آیات قرآن کریم تفسیری علمی ارائه دهند ولی اگر یافته‌های علمی خود را موافق کلام الله نمی‌دیدند، خود را تخطئه می‌کردند. حتی اگر برای آنچه قرآن فرموده توجیهی علمی نمی‌یافتند باز هم سخن قرآن را بر دانش خود ترجیح می‌دادند.^{۲۵} در سده اخیر، این تلاشها بسیار پررنگ تر شده و گاه رنگ افراط به خود گرفته است. هزاران کتاب که در موضوع اعجاز علمی قرآن در شاخه‌های: کیهان‌شناسی، پزشکی، گیاه‌شناسی، زیست‌شناسی، انسان‌شناسی، جنین‌شناسی و... نگاشته شده، همگی شواهدی بر این مدعا هستند.

کتاب یا مقاله مستقلی با موضوع «مرجعیت علمی قرآن از منظر امام خمینی» به نظر نرسید ولی مقالاتی در باره اعجاز علمی قرآن از دیدگاه امام خمینی، تفسیر علمی قرآن از منظر امام خمینی و اعجاز عرفانی قرآن از منظر امام خمینی نوشته شده است.^{۲۶}

^{۲۲}. به عنوان نمونه در جریان مناظره امام جواد با یحیی بن اَکْثَمَ و دیگران یحیی از امام پرسید: نظر شما در باره این روایت چیست: جبرئیل بر پیامبر نازل شد و گفت: خدایت درود می‌رساند و می‌گوید از ابابکر پرس: «آیا همانگونه که من از او راضی هستم او نیز از من راضی است؟» امام (علیه‌السلام) ضمن اشاره به روایات عرضه، فرمود: من منکر فضل ابابکر نیستم ولی این حدیث با آیه «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلِمُ مَا تُوسِّسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» منافات دارد و محال است که رضایت و عدم رضایت ابابکر بر خداوند پوشیده ماند. (محمدباقر مجلسی؛ بحارالأنوار؛ ج ۵۰، ص ۸۰)

^{۲۳}. در ستاره روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، ص ۳۰۸

^{۲۴}. رسائل ابن سینا، ص ۱۵۳-۱۷۳؛ التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۱۹-۴۳۱؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص ۲۹۳-۲۹۴

^{۲۵}. چنانکه ابوعلی سینا در باره معاد گوید: «يجب ان يعلم ان المعاد منه ما هو منقول من شرع و لا سبيل الى اثباته الا من طريق الشريعة و تصديق خبر النبوه و هو الذي للبدن عند البعث» (الشفاء، ص ۴۶۰؛ النجاه، ص ۶۸۱). که جمله «لا سبيل الى اثباته الا...» به خوبی بر این مطلب دلالت می‌کند که از نظر شیخ معاد جسمانی را با دلایل عقلی نمی‌توان اثبات کرد و دلایل شرعی برای اثبات آن کافی است. همین جمله دست‌مایه‌ای برای برخی از جمله امام محمد غزالی شده که بر بوعلی سینا و برخی دیگر از فیلسوفان بتنازد. (رک: نهفت الفلاسفه، ص ۲۸۴)

^{۲۶}. همانند: نگرش امام خمینی رحمه الله به اعجاز قرآن؛ احمد عابدی، منتشر شده در مجله شیعه‌شناسی سال ۱۳۸۵، شماره ۱۴، ص ۲۵-۴۴
بررسی تفسیر علمی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله؛ علی‌رضا نوبری، منتشر شده در مجموعه مقالات همایش اندیشه‌های قرآنی امام خمینی (س) - جلد، ص ۲۳۱

اعجاز عرفانی قرآن از منظر امام خمینی (ره)، محسن نورائی، محمد شریفی و فاطمه هدایتی؛ ارائه شده در اولین همایش اعجاز قرآن، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۱، تهران

با بررسی آثار امام خمینی نیز نمونه‌های فراوانی به چشم می‌خورد که می‌توان از آن موارد، مرجعیت علمی قرآن کریم از منظر امام خمینی را استخراج کرد. به عنوان نمونه مشرب تفسیری امام خمینی، عرفانی و فلسفی است ولی در مواردی که تأویلات عارفان و فلاسفه با ظواهر قرآن ناهماهنگ است، آنها را مردود می‌شمارد.^{۲۷} امام امت در تفسیر قرآن از دیگر علوم نیز غافل نبوده، حتی از دانش‌های جدید کیهان‌شناسی نیز بهره می‌جست.^{۲۸}

مفهوم شناسی

۱. مرجعیت

«مرجعیت» در لغت به معنای: مورد رجوع، محل مراجعه و مرجع تقلید بودن است.^{۲۹} علم در لغت به معنی دانستن، یقین کردن، دریافتن، ادراک، استوار کردن، اتقان، یقین^{۳۰}، دانش و آگاهی و جمع آن علوم است.^{۳۱}

۲. علم

«علم» در اصطلاح دانش‌های مختلف به معانی متفاوتی به کار می‌رود؛^{۳۲} منظور از «علم» در این مقاله، همه دانش‌های بشری است. اعم از علوم عقلی، نقلی و شهودی که در همه آنها باید مرجعیت قرآن لحاظ شود. پس همانگونه که برابر مرجعیت علمی قرآن، روایات باید به قرآن عرضه شود، فتاوی فقہی، ادعای شهودات قلبی، کشف‌های فلسفی، روش‌های تربیتی و... همگی باید به قرآن عرضه شوند. به عنوان نمونه، آنچه به عنوان کشف و شهود مطرح می‌شود ولی با قرآن و سنت موافق نیست، باید به کناری نهاده شود. و به فرموده امام راحل:

^{۲۷}. رک: شرح چهل حدیث، ص: ۴۱۷

^{۲۸}. رک: صحیفه امام، ج ۱۷، ص: ۵۲۷

^{۲۹}. فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه «مرجعیت».

^{۳۰}. دهخدا، لغت نامه، ذیل واژه

^{۳۱}. معین، فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه علم

^{۳۲}. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۴

«کشفی اتم از کشف نبی ختمی صلی الله علیه و آله، و سلوکی اصحّ و اصوب از آن نخواهد بود؛ پس ترکیبات بی حاصل دیگر را که از مغزهای بیخرد مدعیان ارشاد و عرفان است باید رها کرد.»^{۳۳} نماز سکوت^{۳۴} نمونه ای از این کشفیات مخالف با کتاب و سنت است که حضرت امام آن را مردود می داند.^{۳۵}

نتیجه این که: حتی اگر کسی همانند امام خمینی، مکاشفات را از علوم نداند، باز هم معیار یاد شده در مرجعیت علمی، برای مکاشفات نیز صادق است.

توضیح این که امام خمینی در تعریف علم می فرماید:

«حق آن است که «علوم» را آن دانیم که در تحت نظر و فکر و برهان درآید و قدم «فکر» در آن دخیل باشد و مکاشفات و مشاهدات گاهی نتایج علوم حقیقه است و گاهی نتایج اعمال قلبیه. بالجمله، مشاهدات و مکاشفات و تحقق به حقایق اسماء و صفات در تقسیمات علوم نباید داخل شوند، بلکه [مکاشفه] وادی دیگر و علوم وادی دیگرند.»^{۳۶}

پس چه مکاشفات را از جمله علوم بدانیم یا ندانیم، معیار یاد شده در «مرجعیت علمی» در باره مکاشفات نیز باید رعایت شود.

همچنین دانشمندان، علوم را به علوم آلی و علوم اصالی تقسیم نموده اند. علوم آلی یا نظیر ادبیات است که از جمله علوم اعتباری است و آلت و ابزاری بیش نیست - چرا که فقط برای درست گفتن و نوشتن است و مطلوب بالذات نیست و یا همانند علم منطق است، که انسان مسائل منطقی را فرا می گیرد تا در هنگام اندیشه و تفکر درست بیندیشد و صحیح فکر کند.^{۳۷}

بر اساس روایت مشهور نبوی که علوم را به سه دسته تقسیم کرده است،^{۳۸} امام خمینی معتقدند که انسان به طور اجمال و کلی دارای سه نشئه و صاحب سه مقام و عالم است: اول، نشئه آخرت و عالم غیب و مقام روحانیت و عقل. دوم، نشئه برزخ و عالم متوسط بین العالمین و مقام خیال. سوم، نشئه دنیا و مقام ملک و عالم شهادت. و از برای هر یک از این [ها] کمال خاصی و تربیت مخصوصی است و عملی است مناسب با نشئه و مقام خود، و

۳۳. سر الصلاة (معراج السالکین و صلاة العارفين)، ص: ۱۲

۳۴. در نماز سکوت به ترتیب خاصی «الف» الله را متمثل در پیش رومی کنند و پس از آن «لا» را و پس از آن «ه» را و پس از آن مجموع را به ترتیب خاصی، که به عدد حضرات خمس شود

۳۵. سر الصلاة (معراج السالکین و صلاة العارفين)، ص: ۱۲

۳۶. شرح چهل حدیث، ص: ۳۹۶

۳۷. زن در آینه جلال و جمال، جوادی آملی، ص ۲۶۲

۳۸. متن روایت چنین است: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْمَسْجِدَ فَإِذَا جَمَاعَةٌ قَدْ أَطَافُوا بِرَجُلٍ فَقَالَ مَا هَذَا فَقِيلَ عَلَامَةٌ فَقَالَ وَمَا الْعَلَامَةُ فَقَالُوا لَهُ أَعْلَمُ النَّاسِ بِأَنْسَابِ الْعَرَبِ وَ وَقَائِعِهَا وَ أَيَّامِ الْجَاهِلِيَّةِ وَ الْأَشْعَارِ الْعَرَبِيَّةِ قَالَ فَقَالَ النَّبِيُّ ص ذَاكَ عِلْمٌ لَا يَضُرُّ مِنْ جِهَلِهِ وَ لَا يَنْفَعُ مَنْ عِلْمُهُ ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَ مَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ (كافي، ج ۱، ص ۳۲؛ وسائل الشيعه، ج ۱۷، ص ۳۲۷)

انبیاء، علیهم السلام، متکفل دستور آن اعمال هستند. پس کلیه علوم نافع منقسم شود به این سه علم، یعنی، علمی که راجع است به کمالات عقلیه و وظایف روحیه، (یعنی عقائد) و علمی که راجع به اعمال قلبیه و وظایف آن است، (یعنی اخلاق) و علمی که راجع به اعمال قلبیه و وظایف نشئه ظاهره نفس است.^{۳۹} (یعنی فقه) بر اساس این تقسیم، حضرت روح الله، دانش‌هایی همانند پزشکی، نجوم، هیئت و... را در صورتی که آدمی را به یکی از علوم سه گانه فوق رهنمون شود، علوم آلی می‌داند.^{۴۰}

۳. علم اسلامی

یکی از مسائل و مباحث مهم در مرجعیت علمی قرآن، تبیین علم اسلامی و به تبع آن دانش قرآنی است. به دیگر سخن آیا همانگونه که از کلام اسلامی سخن می‌گوییم آیا می‌توانیم از شیمی و فیزیک اسلامی نیز سخن بگوییم و به تعبیر دقیق تر معیار اسلامی خواندن یک علم به چیست؟

امام خمینی هنگام بحث در باره اسلامی شدن دانشگاه گوید: (برخی) توهم کردند که علوم دو قسم است: هر علمی دو قسم است. علم هندسه یکی اسلامی است، یکی غیر اسلامی. علم فیزیک یکی اسلامی است، یکی غیر اسلامی. از این جهت اعتراض کردند به اینکه علم، اسلامی و غیر اسلامی ندارد.

برخی تصور کرده اند منظور از «اسلامی شدن دانشگاه» که امام و دیگر مسئولان بر آن تأکید داشتند این است که در دانشگاه فقط علوم اسلامی همانند فقه، اصول و تفسیر تدریس شود. امام در پاسخ این توهم تأکید داشتند که منظور از اسلامی شدن دانشگاه این است که دانشگاه باید تغییرات بنیادی داشته باشد. دانشگاه نباید مانع پیشرفت مادی و معنوی دانشجویان شود. در دانشگاه باید تربیت اسلامی، مورد نظر و هدف نهایی باشد تا علومی که در دانشگاه تحصیل می‌شود در راه ملت و در راه تقویت ملت و با احتیاج ملت همراه باشد. از نگاه ایشان، معنی اسلامی شدن دانشگاه، استقلال این نهاد علمی از غرب و شرق است.^{۴۱}

در مجموع از نگاه امام خمینی، اگر دانشی در خدمت اسلام و هماهنگ با اهداف اسلامی باشد، اسلامی محسوب می‌شود ولی دانشی که در خدمت اهداف اسلام و تربیت اسلامی نباشد، اسلامی حقیقی محسوب نمی‌شود؛ زیرا قرآن کریم، به همه امور از جمله به علوم طبیعی و حتی غیر طبیعی، نگاه استقلالی ندارد^{۴۲}

۴. مرجعیت علمی

یکی از مهمترین چالش‌ها در بحث مرجعیت علمی، مفهوم آن است. در ادامه مهمترین احتمالات را بررسی و نظر امام در باره آن را ارائه خواهیم کرد.

۳۹. شرح چهل حدیث، ص: ۳۸۷

۴۰. شرح چهل حدیث، ص: ۳۹۷

۴۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص: ۲۵۲

۴۲. صحیفه امام، ج ۸، ص: ۴۳۴

۴،۱. قرآن؛ مرجع مخدوم

ممکن است منظور از مرجعیت علمی قرآن این باشد که همه دانش ها باید در خدمت قرآن باشند. یعنی همان گونه که در مکتب اومانیسیم^{۴۳} انسان مداری و انسان گرایی اصالت داشته و محور تأملات قرار می گیرد^{۴۴} و خدمت به انسان، مرجع همه علوم است؛ منظور از مرجعیت علمی قرآن هم این است که همه علوم در خدمت قرآن کریم باشد.

از بررسی سخنان امام می توان نشانه هایی از این مفهوم را یافت به عنوان نمونه می فرماید:

«برخی افراد به مجرد اینکه گفته می شود که فلان مرکز باید اسلامی باشد، آنها می گویند یعنی تخصص نباشد. اینها می خواهند که به دنیا ارائه بدهند که اسلام با علم و تخصص مخالف است، در صورتی که آیات قرآن کریم آن قدر راجع به علم و راجع به دانش سفارش فرموده است که شاید در سراسر کتب دیگر نباشد. اسلام با تخصص، با علم، کمال موافقت را دارد، لکن تخصص و علمی که به خدمت ملت باشد؛ در خدمت مصالح مسلمین باشد.»^{۴۵}

با توجه به آنچه گذشت و دیگر مواردی که امام تأکید کرده که علوم باید در خدمت اسلام باشد^{۴۶} می توان حدس زد منظور از مرجعیت علمی قرآن نیز همین است. یعنی همه علوم باید در خدمت قرآن باشد و تنها علمی که در خدمت قرآن هستند علوم قرآنی شناخته می شوند. چنانکه در توضیح علوم آلی و استقلالی نیز گذشت.

۴،۲. قرآن، منبع علوم

یکی دیگر از احتمالات قابل توجه برای مرجعیت علمی قرآن که از ظاهر برخی آیات و روایات نیز قابل استخراج است، مرجعیت به معنای منشأ و منبع است. برابراین احتمال، قرآن کریم، منبع همه دانشهاست، پس باید دانشوران دامن همت به کمر زده و علوم را از قرآن استخراج کنند. امام امت از دانشمندان و روحانیون می خواست کمر همت بسته و سعی کنند به وظیفه، دینی خود عمل کنند: «از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که (تبیان کل شی) است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیده است، غفلت نفرمایند... هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است. از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست.»^{۴۷}

۴۳. Humanism

۴۴. منصوری لاریجانی، اسماعیل، انسان شناسی، ص ۹۵، تهران، انتشارات مهدی القرآن، ۱۳۸۵

۴۵. صحیفه امام، ج ۱۴، ص: ۳۵۸

۴۶. همان، ص: ۳۶۰

۴۷. همو، صحیفه نور ج ۲۰، ص ۲۰

بر اساس این احتمال، هر دانش یا بخشهایی از علوم که از قرآن استخراج شود، قرآنی است، به عنوان نمونه، بخشهایی از اصول فقه که از قرآن استخراج شود قرآنی و سایر بخشهایش کلامی، عقلی و... خواهد بود.

۴،۳. استخدام علوم برای فهم قرآن

یکی دیگر از معانی محتمل و قابل توجه برای مرجعیت علمی قرآن این است که دانشوران باید علوم مختلف را فرا گرفته و آن را در خدمت فهم قرآن قرار دهند. از این رو، پیشرفتهای علمی باعث می شود تفاسیر نو و دقیق تری از قرآن ارائه شود. امام امت نیز در مواردی از علوم جدید برای فهم قرآن استفاده کرده است. به عنوان نمونه وی در تفسیر سماء الدنيا^{۴۸}؛ تأکید می کند: به عکس هیأت بظلمیوس، سماء دنیا، یعنی همین کهکشانی هم که ما می بینیم و دارای میلیونها ستاره است و دانش بشری تنها توانسته بخشی از آن را کشف کند.^{۴۹}

۴،۴. قرآن و امضای علوم

یکی دیگر از احتمالات قابل توجه در باره مرجعیت علمی قرآن، عرضه همه علوم بر قرآن کریم است، بر این اساس همه دانشمندان وظیفه دارند، علوم خود را به قرآن کریم عرضه کنند، اگر موافق با قرآن بود یا مخالفی با قرآن نداشت، قابل قبول است ولی دانشی که مخالف قرآن باشد، باید به کناری نهاده شود. روایات عرض اخبار بر کتاب الله می تواند شاهی بر این مفهوم از مرجعیت باشند که توضیح آن در پیشینه گذشت.

۴،۵. قرآن، هدف علوم

با بررسی سخنان امام امت، شاید مناسب ترین مفهوم برای مرجعیت علمی، هماهنگ سازی اهداف علوم با اهداف قرآن کریم است؛ بدین معنا که باید هدف علوم، تربیت و انسان سازی و رشد معنوی انسان باشد، همانگونه که مهمترین هدف از نزول قرآن کریم، همین معنا است.

امام امت در این باره گوید: «قرآن هم آن قدری که دنبال این بوده است که تهذیب کند مردم را، دنبال چیزهای دیگر نبوده است. اصلاً، می شود گفت که قرآن برای همین مقصد آمده است؛ برای اینکه بشر به این مطلب از همه چیز بیشتر احتیاج داشتند. قرآن کتابی است برای انسان سازی، در تمام مراحل طی می کند، قرآن در همه مراحلش دعوت دارد و راه دارد... قرآن کتاب احکام نیست؛ کلیات را، کلیات احکام را، اصولش را ذکر فرموده است [آن] هم نه به طور تمام آن. قرآن کتاب دعوت است و کتاب اصلاح یک جامعه است... اگر علم بلا تهذیب باشد ضررش از جهل بدتر است.»^{۵۰}

از منظر ایشان، اسلام ضمن این که به ماده و مسائل مادی توجه دارد، پنجره بزرگتری به نام معنویت فراروی مردم می گشاید و تفاوت علوم اسلامی و غیر اسلامی در همین است که در علوم غیر اسلامی، تنها به ماده توجه

۴۸. صفات، ۶

۴۹. صحیفه امام، ج ۱۷، ص: ۵۲۷

۵۰. صحیفه امام، ج ۱۵، ص: ۵۰۵

می شود ولی در علوم اسلامی علاوه بر ماده به معنویت، روحانیت و اولوهیت نیز توجه می شود.^{۵۱} اسلام به علوم طبیعی نظر استقلالی ندارد. تمام علوم طبیعی - به هر مرتبه‌ای که برسند - باز آن چیزی که اسلام می خواهد نیست. اسلام طبیعت را مهار می کند برای واقعیت؛ و همه را رو به وحدت و توحید می برد... جمیع علوم طبیعی در قبال علوم الهی بسیار نازل است؛ چنانکه تمام موجودات طبیعی در مقابل موجودات الهی بسیار نازل هستند. فرق... بین مکتب توحیدی و سایر مکتبها، که بزرگترینش اسلام است، این است که اسلام در همین طبیعت یک معنای دیگری می خواهد، در همین طب یک معنای دیگری می خواهد، در همین هندسه یک معنای دیگری را می خواهد، در همین ستاره‌شناسی یک معنای دیگری می خواهد.^{۵۲}

به باور امام، هدف اسلام بازگرداندن همه محسوسات به توحید است. تعلیمات اسلامی نیز همانند ریاضی و پزشکی و دیگر دانشها نیست که همه توجه آن به ماده و مادیات باشد. تعلیمات اسلامی در دانشهایی همانند ریاضی و طب نیز سمت و سوی الهی و توحیدی دارد. پس هدف اسلام برگرداندن تمام علوم طبیعی به علم الهی است.^{۵۳}

برابر این دیدگاه هر چند در دانشگاه‌ها باید همه علوم طبیعی و انسانی همانند پزشکی، کشاورزی، ریاضی، روان شناسی و... آموزش داده شود ولی مرکز ثقل همه این مباحث باید به سوی توحید و اولوهیت باشد.^{۵۴}

در حوزه‌های علمیه نیز جهت‌گیری علوم باید به سوی توحید باشد و از این جهت بین حوزه و دانشگاه تفاوتی وجود ندارد. دانشمندی که دانشش او را به سوی خدا رهنمون نشود و دانشهایی که باعث تذکیر نشوند، همانند انبار دانشی است که بر روی الاغی نهاده شود. امام خمینی چنین علم و عالمی را مثل آیه زیر می داند:

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرِيَةَ ثُمَّ كَفَرُوا بِهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا^{۵۵}

علم چندان که بیشتر خوانی

چون عمل در تو نیست نادانی

نه محقق بود نه دانشمند

چارپایی برو کتابی چند

آن تهی مغز را چه علم و خبر

که بر او هیزم است یا دفتر^{۵۶}

۵۱. صحیفه امام، ج ۸، ص: ۴۳۶

۵۲. صحیفه امام، ج ۸، ص: ۴۳۴

۵۳. صحیفه امام، ج ۸، ص: ۴۳۵

۵۴. همان.

۵۵ - جمعه، ۵

۵۶ - گلستان سعدی، باب هشتم.

کسی که حتی علم توحید را، علم ادیان را، علم اخلاق را، همه این علوم را دارد ولی نفس خودش را تذکیر نکرده، تبدیل به موجودی می‌شود که برای جامعه خطرناک است و چنین فرد و محیطی نه آموزشش آموزش است و نه پرورشش پرورش.^{۵۷}

قلمرو مرجعیت علمی قرآن از منظر امام خمینی

پاسخ به این سوال که: آیا مرجعیت علمی قرآن شامل همه مباحث و همه دانشها اعم از ریاضی، حساب، هندسه، فیزیک، شیمی، تاریخ، جغرافی، مثلثات، فقه، اصول، رجال، درایه، عرفان، فلسفه و... می‌شود یا خیر؟ بر اساس تعاریف پیشگفته از مرجعیت، متفاوت می‌شود. اگر مفهوم مرجعیت علمی را این بدانیم که باید همه علوم در خدمت قرآن باشد یا مفهوم و مقصود از مرجعیت علمی را، هماهنگی در اهداف بدانیم، قلمرو بحث از مرجعیت علمی همه دانشهاست. یعنی وقتی قرآن کریم مرجع علوم می‌شود که همه علوم در خدمت قرآن قرار گیرند و اهدافی که قرآن برای آن نازل شده را عینیت بخشند.

اگر منظور از مرجعیت علمی را منبع بودن قرآن برای علوم بدانیم آن گاه این بحث به شکل جدی تری مطرح می‌شود که آیا قرآن کریم می‌تواند منبع همه علوم حتی فیزیک، شیمی و... باشد؟ همچنین اگر منظور از مرجعیت را استخدام علوم برای فهم قرآن بدانیم باز هم می‌توان پرسید که آیا همه علوم حتی جبر، هندسه، مثلثات، فیزیک نظری، مکانیک کوانتومی و... در خدمت فهم قرآن قرار می‌گیرد؟ چنانکه بر مبنای امضای علوم بوسیله قرآن، باز هم سوال فوق مطرح می‌شود.

بر اساس برداشت ما از نظریه امام خمینی که مرجعیت در اهداف و هماهنگی سازی اهداف قرآن با اهداف علوم بود، هر چند در قرآن کریم با صراحت از برخی دانشها سخن نگفته، ولی وقتی می‌توان قرآن را مرجع آن علوم دانست که اهداف آن علوم با اهداف قرآن یعنی کمال بشریت و قرب الی الله هماهنگ باشد:

«قرآن کتاب زنده الهی است، آن هم آن قدری که دنبال این بوده است که تهذیب کند مردم را، دنبال چیزهای دیگر نبوده است. اصلاً، می‌شود گفت که قرآن برای همین مقصد آمده است؛ برای اینکه بشر به این مطلب از همه چیز بیشتر احتیاج داشتند. قرآن کتابی است برای انسان سازی، در تمام مراحل که انسان طی می‌کند، قرآن در همه مراحلش دعوت دارد و راه دارد... قرآن کتاب دعوت است و کتاب اصلاح یک جامعه است.^{۵۸} پس نباید انتظار داشت، مسائل ریز ریاضی، فیزیک، شیمی و... از ظاهر قرآن برداشت شود. «از قرآن باید علوم الهیه و معارف لدنیه حاصل شود.»^{۵۹} و اینکه قصص قرآنی، مثل قصه آدم و موسی و ابراهیم و دیگر انبیاء علیهم السلام، مکرر ذکر شده، برای همین نکته است که این کتاب، کتاب قصه و تاریخ نیست، بلکه کتاب سیر و سلوک الی الله و

^{۵۷}. صحیفه امام، ج ۱۲، ص: ۴۹۳

^{۵۸}. صحیفه امام، ج ۱۵، ص: ۵۰۵

^{۵۹}. آداب الصلاة، ص: ۱۹۸

کتاب توحید و معارف و مواعظ و حکم است. و در این امور، مطلوب تکرار است تا در نفوس قاسیه تأثیری کند و قلوب از آن موعظت گیرد.^{۶۰}

مبانی مرجعیت علمی از منظر امام خمینی

مبانی جمع مبنا و در لغت به معنی بنیاد، شالوده، بنیان، اساس، پایه و ریشه است.^{۶۱} این واژه به تدریج در استعمال محققان و دانشمندان به پیش فرض‌های کلان و اصول موضوعه کلامی و فلسفی علوم و حتی بر دلایل اثبات یک نظریه اطلاق شده است؛ نمونه آن اطلاق مبانی بر علوم همچون تفسیر، فقه، حقوق، جامعه‌شناسی، تاریخ یا استعمال واژه مبنا در نظریه نسبیت انیشتین یا نظریه تکامل داروین است که شامل دلائل، مفاهیم اساسی و اصول کلی آن دانش و گاه با توسعه‌ای شامل اصول موضوعه کلامی و فلسفه‌های آنها می‌گردد؛ مثلاً مبانی فلسفی یا کلامی فقه یا مبانی اخلاقی حقوق و غیر آن دو.^{۶۲}

پس مبانی گزاره‌هایی است که خطوط کلی و نظری مباحث را جهت می‌دهند. «مبنا» منشأ اشتقاق اصل است و ماهیتی کاملاً توصیفی دارد و ناظر به «هست» هاست. ولی اصل دارای ماهیتی هنجاری، و ناظر به «باید» هاست.^{۶۳} در نتیجه مقصود از مبانی مرجعیت علمی، در این مقاله، گزاره‌های خبری و پیش فرض‌های پذیرفته شده در باره قرآن کریم و حجیت آن است که از آنها در استنتاج مؤلفه‌ها، قلمرو، راهکارها و موانع مرجعیت علمی استفاده می‌شود.

۱. حقیقت قرآن

از نگاه امام خمینی، حقیقت قرآن برای ما دست نیافتی است: حقیقت قرآن شریف الهی قبل از تنزل به منازل خلقیه و تطور به اطوار فعلیه از شئون ذاتیه و حقایق علمیه در حضرت واحدیت است و آن حقیقت «کلام نفسی» است که مقارعه ذاتیه در حضرات اسمائیه است. و این حقیقت برای احدی حاصل نشود به علوم رسمیه و نه به معارف قلبیه و نه به مکاشفه غیبیه مگر به مکاشفه تامه الهیه برای ذات مبارک نبی ختمی صلی الله علیه و آله در محفل انس «قاب قوسین» بلکه در خلوتگاه سرّ مقام «او ادنی». و دست آمال عائله بشریه از آن کوتاه است مگر خلص از اولیاء الله...^{۶۴}

۶۰. آداب الصلاة، ص: ۱۸۷

۶۱. رک: طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۶۴. دهخدا، لغت نامه دهخدا ج ۱۳، ص ۲۰۱۱۲. انوری، فرهنگ بزرگ سخن ج ۷، ص ۶۶۰۳.

۶۲. بهجت پور، تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول) مبانی، اصول، قواعد و فواید، ص ۲۵ و ۲۶.

۶۳. باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۶۸؛ شریعتمداری، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۱۱

۶۴. آداب الصلاة، ص: ۱۸۱

امام امت بر این باورند که قرآن سَرّی است بین حق و ولیّ الله اعظم که رسول خداست، به تبع او نازل می‌شود تا می‌رسد به اینجایی که به صورت حروف و کتاب در می‌آید که ما هم از آن استفاده ناقص می‌کنیم. و اگر ما سَرّ «لیلۃ القدر» و سَرّ «نزول ملائکه» در شبهای قدر را بدانیم، همه مشکلات ما آسان می‌شود.^{۶۵}

قرآن دارای ابعادی است که تا رسول اکرم صلی الله علیه و آله مبعوث نشده بودند و قرآن از آن مقام غیب، نازل نشده بود و با آن جلوه نزولی‌اش در قلب رسول خدا جلوه نکرده بود، برای احدی از موجودات ملک و ملکوت ظاهر نبود. بعد از آنکه اتصال پیدا کرد مقام مقدّس نبوی ولی اعظم با مبدأ فیض به آن اندازه‌ای که قابل اتصال بود، قرآن را نازلّتاً و مُنزلاً کسب کرد، در قلب مبارکش جلوه کرد و با نزول به مراتب هفتگانه به زبان مبارکش جاری شد. قرآنی که الآن در دست ماست نازله هفتم قرآن است.^{۶۶}

توجه به این مبنا باعث می‌شود آدمی تصور نکند دانسته‌های خودش حقّ مطلق است و بداند علوم و دانستی‌هایش در باره قرآن کریم ناقص و چه بسا نادرست است؛ پس هیچکس حق ندارد به دیگران و دانشهای آنان که گاه با علوم او ناموافق است بتازد.

مطلب دیگری که از این مبنا در راستای مرجعیت علمی قرآن استفاده می‌شود این است که: هر چند حقیقت قرآن برای ما دست نیافتنی است ولی هر کس باید به اندازه توان خودش از این ادبستان بزرگ الهی توشه بردارد: (باید) به کتاب شریف الهی نظر تعلیم داشته باشی و آن را کتاب تعلیم و افاده بدانی، و خود را موظف به تعلّم و استفاده بدانی.^{۶۷}

۲. جامعیت قرآن

یکی از مبانی کلیدی در باره مرجعیت علمی قرآن تنقیح مبناي هر فرد در باره جامعیت قرآن کریم است. پرسشی که در باره مرجعیت قرآن وجود دارد این است که:

آیا قرآن جامع همه علوم و متکفل بیان همه دانشهاست و همه دانشها اعم از طبیعی و انسانی در قرآن وجود دارد؟ نظر امام امت در این باره چیست؟

در این زمینه میان اندیشمندان مسلمان سه دیدگاه را می‌توان به روشنی دید: دیدگاه حداکثری؛ دیدگاه حداقلی و دیدگاه اعتدالی که خود تفاسیر مختلفی دارد و سه تفسیر مشهورتر آن عبارت است از: الف. جامعیت در مقوله هدایت و تربیت، ب. جامعیت برای مخاطبان خاص یعنی پیامبر و دیگر معصومان (علیهم السلام) باشند، و ج. جامعیت در باب احکام دین.

الف: دیدگاه حداکثری؛ برابر این رویکرد، قرآن کریم بر همه چیز دلالت می‌کند و حتّی گفته‌اند که: غریبها صنعت‌ها را از قرآن استنباط کرده‌اند! نمونه‌ی این دیدگاه را می‌توان در تفسیر طنطاوی دید. او به گمان خود،

^{۶۵}. صحیفه امام، ج ۱۹، ص: ۲۸۶

^{۶۶}. صحیفه امام، ج ۱۷، ص: ۴۳۱

^{۶۷}. آداب الصلوة، ص: ۱۹۲

برای آنکه مسلمانان را از فریفتگی در برابر فرهنگ غربی بازدارد؛ در کتاب «جواهر القرآن» کوشید تا بسیاری از مسائل علمی را به آیات قرآنی تطبیق دهد! شاید اگر از وی پرسیده می‌شد که آیا فرمول بمب اتمی را هم می‌توان، در قرآن کشف کرد؛ بی‌میل نبود که بگوید: آری!^{۶۸}

ب: دیدگاه حداقلی؛ بر اساس این نظریه، نباید مباحث و نظریات علوم طبیعی را در قرآن جست و بالعکس. زیرا معلوماتی که از راه علوم طبیعی کسب می‌شود، حداکثر از راه تجربه و استقراء ناقص حاصل می‌شود که هیچگونه حجیتی ندارد. وانگهی مهم‌ترین دلیل اثبات دانش‌های طبیعی و قطع و یقین به آنها، مشاهده عینی و دیدن با چشم سر است؛ در حالی که مشاهده عینی در موارد زیادی، غیر واقعی است. به عنوان نمونه، چشمان ما قلم یا میله‌ای که در شیشه یا لیوان بلورین آب قرار می‌دهیم را شکسته می‌بیند در حالی که چنین نیست. چشمان ما تیرهای چراغ برقی که در طول همدیگر قرار دارد را کوچک و کوچک تر تصور می‌کند که تصویری باطل است و.... پس دانشی که از راه تجربه و استقراء ناقص به دست آید، به هیچ وجه نباید با دانش‌های الهی مقایسه شود. تجربه مواجهه علم و دین در غرب نیز مؤید دیدگاه فوق است. زیرا اظهار نظر بعضی از دانشمندان علوم طبیعی، در مسائل خارج از حوزه خود، یعنی متافیزیک و اظهار نظر دانشمندان دینی در موضوعات علوم طبیعی، هر دو غیر کارشناسانه بود و باعث تشدید شبهه تعارض بین علم و دین شد.^{۶۹}

ج: دیدگاه میانه؛ در مقابل دو رویکرد افراطی و تفریطی یاد شده بعضی راه اعتدال در پیش گرفتند. بر اساس این نظریه قرآن برای اهدافی خاص نازل شده است که در آن حوزه‌ها، از جامعیت لازم و کامل برخوردار است. از نگاه امام امت، قرآن کریم کتاب هدایت و راهنمای سلوک انسانیّت و مربّی نفوس و شفای امراض قلبیه و نوربخش سیر الی الله است.^{۷۰} پیامبران برای این آمده‌اند که بشر با به حقایق رهنمون شوند که فهم آن حقایق بدون وحی امکان پذیر نیست: «قرآن کتاب آدم‌سازی است؛ برای آدم ساختن آمده است. کتاب حیوان‌سازی نیست؛ کتاب تعمیر مادیت نیست؛ همه چیز است. انسان را به تمام ابعاد تربیت می‌کند. مادیات را قبول دارد در پناه معنویات؛ و مادیات را تبع معنویات قرار می‌دهد.»^{۷۱}

بر این اساس، از نگاه امام امت، هدف از نزول قرآن، هدایت و کمال انسان است و در این راستا: «قرآن همه چیز دارد: سیاست دارد، فقه دارد، فلسفه دارد، همه چیز دارد. انسان همه چیز است و باید همه احتیاجاتش را قرآن تامین بکند. انسان یک اعجوبه ای است که همه عالم است و قرآن یک اعجوبه ای است که اداره انسان را به همه اقشار می‌کند، در عین حالی که فقیه درست می‌کند، حکیم درست می‌کند، فیلسوف درست می‌کند،

^{۶۸}. مصباح یزدی، معارف قرآن، ج ۱، ص ۲۳۰

^{۶۹}. رک: رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۴، احمد امین، راه تکامل، ج ۱، ص ۶۵ به بعد، ترجمه آقایان بهشتی، لاری، امامی، انتشارات دار الکتب الاسلامیه.

^{۷۰}. آداب الصلاة، ص: ۱۸۵

^{۷۱}. صحیفه امام، ج ۷، ص: ۵۳۲

شمشیرزن درست می کند، جنگجو درست می کند. فقیه باید جنگجو هم باشد، فقیه باید سیاف^{۷۲} باشد ولی فقیه هم باشد و فقهش را از دست ندهد.^{۷۳}

البته بیان قرآن و درسهای هدایتی آن متفاوت است در مباحثی همانند توحید ذات و اسماء و افعال در برخی موارد به صراحت و در موارد زیاری به اشارت بسنده کرده است.^{۷۴} و دانشمندان وظیفه دارند با مراجعه به قرآن، پاسخ مسائل و مشکلات خود را دریابند.

از منظر امام امت، قرآن یک سفره گسترده‌ای است از ازل تا ابد که از او همه قشرهای بشر استفاده می کنند و می توانند استفاده کنند. منتها هر قشری که یک مسلک خاصی دارد، روی آن مسلک خاص تکیه می کند؛ فلاسفه روی مسائل فلسفی اسلام، عرفا روی مسائل عرفانی اسلام، فقها روی مسائل فقهی اسلام، سیاسیون روی مسائل سیاسی و اجتماعی اسلام تکیه می کنند، لکن اسلام همه چیز است و قرآن همه چیز. قرآن یک رحمتی است برای همه بشر^{۷۵}

از نگاه امام خمینی، جامعیت قرآن بدان معنا نیست که همه می توانند همه مطالب قرآن را بفهمند: «در قرآن مصالح شخصی، مصالح اجتماعی، مصالح سیاسی، کشورداری و همه چیزها هست. البته با آن تفسیرهایی که از اهل تفسیر وارد شده است و ما به رأی خودمان نمی توانیم قرآن را تأویل کنیم... ما از طریق وحی و از طریق وابستگان به وحی قرآن را اخذ می کنیم و بحمد الله از آن راه هم غنی هستیم.»^{۷۶}

۳. بیان عمومی و خصوصی

یکی دیگر از مبانی مهم مرجعیت علمی قرآن از نگاه امام خمینی، تفاوت بیانی قرآن کریم است. از نگاه ایشان قرآن کریم در راستای هدایت افراد، هنگام مواجهه با آنان بیان‌های متفاوتی دارد. قرآن سه گروه مخاطب دارد: عده‌ای صاحب دل و اهل اسرار هستند، عده‌ای عامی هستند و دسته سوم، بین دو دسته یاد شده قرار دارند. قرآن کریم در مواجهه با اهل اسرار می فرماید: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»^{۷۷} که یک حقیقت و یک ظهور و یک وجود ابسط است؛ اول اوست، آخر اوست، ظاهر اوست، باطن اوست، تعدد نیست. علم اوست، اراده اوست، معلوم اوست، قدرت اوست.

۷۲. شمشیر زن

۷۳. صحیفه امام، ج ۶، ص: ۲۸۷

۷۴. آداب الصلاة، ص: ۱۸۵

۷۵. صحیفه امام، ج ۱۹، ص: ۱۱۳

۷۶. صحیفه امام، ج ۱۸، ص: ۴۲۴

۷۷. حدید، ۳

زبان قرآن در مواجهه با مردم عوام، که ذکت آنان را می‌رساند، این است که خدا خود را با ابل معرفی می‌کند: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ* وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ»^{۷۸} برای کسی که کثرت می‌بیند، ابل می‌بیند و جز ابل با چیزی آشنا نیست.

نگاه سوم قرآن با افراد متوسط است که با نظر استقلالی به ماهیات نگاه کرده و طبق انظار عوام الناس می‌فرماید: «خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ»^{۷۹} سماء می‌بیند، ارض می‌بیند، تقدم و تأخر می‌بیند، شش روز و تدریج می‌بیند، بر حسب نظر عامه که سمائی و ارضی می‌بینند. و در سوره نور می‌فرماید: «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»^{۸۰} و نظر به نور نموده و این طور نیست که نظر به نور و سماء، هر دو باشد، بلکه اصل نظر به مضاف است، منتها طرف اضافه سماء و ارض قرار گرفته است و لیکن یک نور است و سماء و ارض طرف اضافه یک نور است و از یک نور، سماء و ارض دیده می‌شود و این گونه نیست که هر کدام نوری داشته باشند. و اینکه می‌فرماید: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ» در این نظر به اصل یک حقیقت توجه شده و تکثر ملغی گشته است و کلمات مذکوره مفاهیمی در مقابل اشیاء متعدد ندارند.^{۸۱}

از نگاه امام خمینی، نوع بیان قرآن در موضوعات مختلف نیز متفاوت است. در مباحث مربوط به قوانین ظاهر شریعت و آداب و سنن الهی، بیان قرآن کلی و برای همگان قابل فهم است. در مباحث برهانی همانند احتجاج بر اثبات حق و توحید و تنزیه و علم و قدرت و دیگر اوصاف کمالیه، گاهی براهین دقیقه‌ای پیدا شود که اهل معرفت از آن استفاده کامل نمایند، مثل شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ.^{۸۲} و گاهی براهینی است که حکماء و دانشمندان طوری از آن استفاده کنند، و اهل ظاهر و عامه مردم از آن طوری بهره بردارند.^{۸۳}

در مجموع از منظر امام امت: قرآن کریم اشارات بسیار لطیفی دارد، لکن چون برای عموم وارد شده است به یک صورتی گفته است که هم خواص از آن ادراک می‌کنند، هم عموم از آن ادراک می‌کنند.^{۸۴}

۴. زبان سهل ممتنع

یکی دیگر از مبانی قابل استخراج از سخنان امام در باره مرجعیت علمی این است که قرآن کریم دارای زبانی خاص و به تعبیر امام امت «سهل ممتنع» است. از نگاه ایشان «بسیاری از دانشورانی که دارای یک بعد از ابعاد

^{۷۸}. غاشیه، ۱۷ و ۱۸

^{۷۹}. الأعراف: ۵۴، یونس: ۳، هود: ۷، الحدید: ۴

^{۸۰}. نور، ۳۵

^{۸۱}. تقریرات فلسفه، ج ۲، ص: ۱۹۱

^{۸۲}. آل عمران، ۱۸

^{۸۳}. آداب الصلاة، ص: ۱۹۱

^{۸۴}. صحیفه امام، ج ۱۹، ص: ۴۳۸

فلسفی، معرفتی و... هستند، وقتی همان بُعد قرآن را دریافتند، تصور میکنند قرآن را فهمیده اند. در حالی که تنها یک بعد از ابعاد آیات برای آنها روشن شده و قرآن دارای ابعاد فراوانی است.^{۸۵}

ایشان به عنوان نمونه به آیاتی چون «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ»^{۸۶}؛ «وَهُوَ مَعَكُمْ...»^{۸۷} و «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»^{۸۸} اشاره کرده و گوید:

«اینها آیاتی است که نه مفسر می تواند بفهمد، نه فیلسوف و نه عارف. هر کس ادعا کند که معنی او را فهمیده است، در جهل فرو رفته است. آیات بوسیله عدّه معدودی از اولیای خدا و ائمه معصومین - علیهم السلام - تاحدودی که قابل فهم است برای بشر تفسیر شده است؛ لکن آنکه لطیفه وحی است همان آیه شریف «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» وقتی دست مفسر افتاده است... در عین حالی که زحمتهای زیاد کشیده اند لکن دستشان از لطایف قرآن کوتاه است؛ نه از باب آنکه آنها تقصیری کرده اند، از باب اینکه عظمت قرآن بیشتر از این مسائل است.»^{۸۹}

۵. جاودانگی قرآن

یکی از اصول بسیار مهم و مبانی کلیدی مرجعیت علمی قرآن کریم، جاودانگی قرآن است. خداوند قرآن کریم را کتابی جاودانه قرار داده که فرازمان و فرامکان است. جهان شمولی و جاودانگی آیات الهی قرآن، اقتضا می کند که در همه دوران، محور حل مشکلات و زداینده ظلمت و جهل و حیرت و گمراهی باشد. کتاب هدایت الهی در پهنه زمین و گستره زمان، خورشید همواره فروزانی است که شعاعش هیچ گاه خاموش نخواهد شد. اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که همتایان قرآن^{۹۰} و خود قرآن ناطق و مجسم^{۹۱} و مفسران راستین و ترجمانهای کتاب خدایند^{۹۲}، قرآن کریم را سفره پربار، بلکه غذای آماده خدای سبحان شناسانده، و انسانها را به بهره گیری از آن با همه توان، فراخوانده اند^{۹۳} اهل بیت (علیهم السلام) بر این نکته تأکید کرده اند که خداوند متعال قرآن را برای زمان خاص یا مردمان مخصوصی نازل نکرده است بلکه تا روز قیامت، در هر زمان و نزد همه اقوام جدید و شکوفا است.

^{۸۵}. صحیفه امام، ج ۱۷، ص: ۴۳۲

^{۸۶}. حدید، ۳

^{۸۷}. حدید، ۴

^{۸۸}. نور، ۳۵

^{۸۹}. صحیفه امام، ج ۱۷، ص: ۴۳۳

^{۹۰} بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۰۵

^{۹۱} ینابیع الموده، ج ۱، ص ۲۱۴ و بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۹۹

^{۹۲} وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۳۶ و مفاتیح الجنان، زیارت آل یس

^{۹۳} القرآن مَادِبَةُ اللَّهِ فَتَعَلَّمُوا مَادِبَتَهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ (بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۹)

شخصی از امام صادق (علیه السلام) پرسید: چرا تدریس و انتشار قرآن بر شکوفایی آن می‌افزاید؟ امام فرمود: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَجْعَلْ لَزَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَلِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ عَضُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^{۹۴}

جهان شمولی و جاودانگی قرآن بارها در سخنان امام امت نیز آمده است. از نگاه ایشان، قرآن کریم، بزرگ‌ترین دستور زندگانی مادی و معنوی بوده و هست.^{۹۵} کتاب الهی باید در تمام شئون زندگی ما حاضر باشد. یکی از مشکلات جامعه اسلامی این است که در برخی از شئون همانند قرائت، به قرآن توجه دارند ولی در بسیاری از شئون، قرآن کریم در جامعه حضور ندارد.^{۹۶}

۶. تحریف ناپذیری

تحریف در اصطلاح علوم قرآنی به لفظی و معنوی تفسیم می‌شود. تحریف معنوی، تفسیر و تأویل نادرست از لفظ و عبارت است که برخلاف مقصود گوینده و اغلب بدون استناد به قواعد فهم درست کلام و بر اساس رأی شخصی و با انگیزه‌های خاص صورت می‌پذیرد.^{۹۷} تحریف لفظی تصرف در ساختار الفاظ و عبارتهای قرآن است.^{۹۸}

یکی از مهمترین مبانی مرجعیت علمی قرآن، اثبات «سلامت قرآن از تحریف لفظی» است. اگر احتمال دهیم الفاظ قرآن دست خوش دگرگونی و تحریف شده است یا در آینده چنین می‌شود، جایی برای هدایتگری جامع و کامل قرآن باقی نمی‌ماند؛ زیرا مردم در این صورت حجت دارند و می‌گویند چون تحریف شده بود، نمی‌توانست کتاب هدایت باشد و در هر جای آن احتمال می‌دادیم که بخشی از آن حذف و مقصود آیه تغییر یافته باشد. پس قرآن کریم آنگاه می‌تواند کتاب انسان سازی و نسخه هدایت بشریت تا روز قیامت باشد که از هر نوع تحریف و تبدیلی مصون بماند و مردم تا روز قیامت بتوانند به آن چنگ زند و نجات یابند. دانشوران شیعه بر تحریف ناپذیری قرآن تأکید کرده اند که امام امت نیز از جمله آنان است. ایشان در باره تحریف ناپذیری لفظی قرآن گوید:

این قرآن کریم که در بین ید مسلمین هست و از صدر اول تا حالا یک کلمه، یک حرف در او زیاد و کم نشده است،^{۹۹} البته تحریف معنوی قرآن واقع شده ولی این تحریف به مرجعیت علمی قرآن لطمه نمی‌زند. چون

^{۹۴} . بحار الأنوار ج: ۲ ص: ۲۸۰

^{۹۵} . وصیت نامه سیاسی - الهی، ص ۲ - ۱.

^{۹۶} . صحیفه امام، ج ۱۶، ص: ۳۹

^{۹۷} . ک: حسین بن محمد راغب اصفهانی؛ مفردات؛ ص ۲۲۸. محمد بن عبدالرئوف مناوی؛ التعاریف؛ ج ۱، ص ۱۶۳. زبیدی؛ تاج العروس؛ ج ۱۲، ص ۱۳۶. فخر الدین الرازی؛ التفسیر الکبیر؛ ج ۳، ص ۱۳۴. محمد هادی معرفت؛ صیانة القرآن من التحریف؛ ص ۱۳ - ۱۴. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۱۷، ص ۶۶.

^{۹۸} . محمد هادی معرفت؛ علوم قرآنی؛ ص ۴۴۷.

^{۹۹} . صحیفه امام، ج ۱۸، ص: ۴۲۳

همواره تفسیر صحیح و روشمند قرآن وجود دارد و مردم می‌توانند با مراجعه به مفسران واقعی از مفهوم صحیح آیات آگاه شده و از آن بهره‌مند شوند.

راهکارهای تثبیت مرجعیت علمی

با مراجعه به سخنان امام امت، می‌توان روشهای تثبیت مرجعیت علمی را استخراج کرد که در ادامه به برخی از این راهکارها اشاره می‌کنیم.

۱. توجه به اهداف نزول قرآن

یکی از مهمترین اشکالات فعلی جامعه این است که عده زیادی از مردم با قرآن بیگانه هستند و کسانی هم که اهل مراجعه به قرآن و تلاوت کتاب الهی هستند، بدون توجه به اهداف نزول قرآن، تنها برای کسب ثواب الهی قرآن می‌خوانند.

امام امت با استفاده از آیه ۱۶۴ آل عمران^{۱۰۰} تأکید کرده است که اصل آمدن پیغمبر برای آموزش و پرورش و تطهیر نفوس مردم است. پرورش قبل از آموزش یا همراه آن است ولی رتبه‌اش مقدم است.^{۱۰۱} «حتی اگر کسی علم توحید، علم ادیان، علم اخلاق، و دیگر علوم را دارا باشد ولی نفس خودش را تذکیه نکند، فرد خطرناکی خواهد شد. عالمی که تزکیه نشده است، خطرش از جاهل بسیار زیادتر است. جاهل اگر فاسد هم باشد، خودش فاسد است. اما عالم اگر فاسد باشد، عالم را فاسد می‌کند. کشور را به فساد می‌کشد.»^{۱۰۲}

امام امت در باره لزوم توجه به اهداف نزول قرآن گوید:

این که استفاده ما از این کتاب بزرگ بسیار کم است، برای همین است که یا به آن نظر تعلیم و تعلم نداریم - چنانچه غالباً این طوریم - فقط قرائت قرآن می‌کنیم برای ثواب و اجر، و لهذا جز به جهت تجوید آن اعتنائی نداریم. می‌خواهیم قرآن را صحیح بخوانیم که ثواب به ما عنایت شود، و در همین حد واقف می‌شویم و به همین امر قناعت می‌کنیم؛ و لهذا چهل سال قرآن شریف را می‌خوانیم و به هیچ وجه از آن استفاده‌ای حاصل نشود جز اجر و ثواب قرائت. و یا اگر نظر تعلیم و تعلم داشته باشیم، با نکات بدیعیه و بیانییه و جوه اعجاز آن، و قدری بالاتر، جهات تاریخی و سبب نزول آیات، و اوقات نزول، و مکی و مدنی بودن آیات و سور، و اختلاف قرائات

^{۱۰۰} لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي

ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ هر آینه خدای بر مؤمنان منت نهاد که در میانشان پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می‌خواند و پاکشان می‌سازد و کتاب و حکمتشان می‌آموزد، در حالی که پیش از آن - آمدن پیامبر - هر آینه در گمراهی آشکاری بودند.

^{۱۰۱} صحیفه امام، ج ۱۲، ص: ۴۹۳

^{۱۰۲} صحیفه امام، ج ۱۲، ص: ۴۹۴

و اختلاف مفسرین از عامّه و خاصه، و دیگر امور عرضیه خارج از مقصد که خود آنها موجب احتجاب از قرآن و غفلت از ذکر الهی است، سر و کار داریم.^{۱۳}

از نگاه پیرجماران، تفسیر صحیح قرآن نیز با توجه به اهداف نزول آن میسر و میسرور است. معنی تفسیر یک کتاب، تبیین و توضیح شرح مقاصد آن است. مفسر باید ابتدا مقصد و مقصود نویسنده کتاب را در یابد تا بتواند آن را بیان کند. قرآن کریم کتاب هدایت و چراغ راه حرکت به سوی انسانیت است، مفسر باید در هر قصه از قصص آن، بلکه هر آیه از آیات آن، جهت اهتداء به عالم غیب و حیث راه‌نمایی به طرق سعادت و سلوک طریق معرفت و انسانیت را به متعلم بفهماند. مفسر وقتی «مقصد» از نزول را بما فهماند مفسر است، نه «سبب» نزول به آن طور که در تفاسیر وارد است.^{۱۴}

۲. توجه به عظمت قرآن

یکی دیگر از راهکارهای تثبیت مرجعیت علمی قرآن، توجه به عظمت قرآن است. اگر مسلمانان عظمت قرآن را در می‌یافتند، در حل مشکلات و مسائل به آن مراجعه می‌کردند.

استفاده آدمی از دانش دانشمندان، بستگی کاملی به فهم قدر و دانش او دارد. از نگاه آدمی، کسی که دانش کمتری دارد با برترین دانشمند روی زمین قابل قیاس نیست. شرط استفاده کامل از برترین دانش، والاترین اثر، بزرگترین گنج، بهترین سرچشمه حیات مادی و معنوی، فهم عظمت آن اثر است. از نگاه امام توجه به عظمت قرآن کریم، آثار فراوانی دارد و موجب نورانیت قلب و حیات باطن می‌شود.^{۱۵}

البته فهم عظمت هر چیز، به فهم حقیقت آن است و حقیقت قرآن کریم قبل از نزول و پیش از آن که به صورت مقروء و مکتوب در آید، از شئون ذاتی و از حقایق علمیّه خداوند بوده و برای انسان‌های عادی قابل درک نیست ولی فهم عظمت همین کتاب متنزل، که در دسترس همه بشر است، فواید فراوانی برای انسانها دارد.

کسی که عظمت قرآن کریم را در یابد لحظه‌ای از استفاده از آن به خودش تردید راه نمی‌دهد از این رو امام امت بارها عظمت قرآن کریم را گوشزد کرده از جمله گوید:

«بدان ای عزیز که عظمت هر کلام و کتابی یا به عظمت متکلم و کاتب آن است، و یا به عظمت مطالب و مقاصد آن است، و یا به عظمت نتایج و ثمرات آن است، و یا به عظمت رسول و واسطه آن است، و یا به عظمت مُرسلّ إلیه و حامل آن است، و یا به عظمت حافظ و نگاهبان آن است، و یا به عظمت شارح و مبیین آن است، و یا به عظمت وقت ارسال و کیفیت آن است. و بعضی از این امور ذاتاً و جوهرأ در عظمت دخیل است، و بعضی عَرَضاً و بالواسطه، و بعضی کاشف از عظمت است. و جمیع این امور که ذکر شد، در این صحیفه نورانیه به وجه اعلی

^{۱۳}. آداب الصلاة، ص: ۱۹۳

^{۱۴}. آداب الصلاة، ص: ۱۹۳

^{۱۵}. آداب الصلاة، ص: ۱۸۱

و اوفی موجود بلکه از مختصات آن است، که کتاب دیگری را در آن یا اصلاً شرکت نیست و یا به جمیع مراتب نیست.^{۱۰۶}

۳. تلاش مستمر علمی

یکی دیگر از راهکارهای تثبیت مرجعیت علمی از نگاه امام خمینی، تلاش دانشی و قناعت نکردن به داشته‌ها و عطش علمی برای فهم بیشتر قرآن است.

استفاده مناسب از قرآن کریم، به رفع موانع یا به تعبیر امام به «رفع حجب بین مستفید و قرآن» نیازمند و این حجابها بسیار است.

از نگاه ایشان حجاب رضایت به آموخته‌های فعلی، یکی از حجابهای بزرگ است که شیطان انسان را به آنچه که دارد راضی و قانع و دیگر چیزها را از چشم او ساقط کند. مثلاً، اهل تجوید را به همان علم جزئی قانع کند و آن را در نظر آنها جلوه‌های فراوان دهد و دیگر علوم را از نظر آنها بیافکند. در این هنگام تجوید دانان تصور می‌کنند مقصود از حاملان قرآن که در روایات از آنان تمجید شده، آنها هستند. و آنها را از فهم کتاب نورانی الهی و استفاده از آن محروم می‌کند. ادیبان نیز به همان صورت بی‌مغز راضی شده، تصور می‌کنند تمام شئون قرآن در همان است که فرا روی آنها قرار دارد. ممکن است شیطان ملعون، مفسران را به وجوه قرائات و آراء مختلفه ارباب لغت و وقت نزول و شأن نزول و مدنی و مکی بودن و تعداد آیات و حروف و امثال این امور سرگرم کند. و اهل دیگر علوم را نیز فقط به دانستن فنون دلالات و وجوه احتجاجات و امثال آن قانع کند. حتی فیلسوف و حکیم و عارف اصطلاحی را در حجاب غلیظ اصطلاحات و مفاهیم و امثال آن، محبوس کند. کسی که می‌خواهد از قرآن بهره‌برد، باید همه این حجابها را پاره کند و از فرا رویش بردارد. از قرآن کریم نیز استفاده می‌شود که شخص نباید به داشته‌هایش قانع شود. چنانکه پیامبران اولوالعزمی همانند حضرت موسی (علیه‌السلام) و حضرت ابراهیم، به آنچه داشتند قناعت نکردند.^{۱۰۷}

۴. بازبینی روش تفسیر و فهم قرآن

یکی دیگر از مهمترین راهکارهای تثبیت مرجعیت علمی قرآن، بازبینی روشهای تفسیری پیشین و ارائه تفسیری است که اهداف نزول قرآن را به خوبی پوشش دهد.

بین تثبیت مرجعیت علمی و تفسیر قرآن رابطه تنگاتنگی وجود دارد و اگر تفاسیر مناسبی از قرآن ارائه نشود، مرجعیت علمی قرآن نیز پا نخواهد گرفت. این در حالی است که از نگاه امام امت، نه تنها عامه مردم حتی مفسران نیز از قرآن کریم استفاده بهینه نکرده و به اهداف و مقاصد قرآن توجه کافی ندارند.

^{۱۰۶}. آداب الصلاة، ص: ۱۸۳

^{۱۰۷}. آداب الصلاة، ص: ۱۹۶

«استفاده ما از این کتاب بزرگ بسیار کم است، برای همین است که یا به آن نظر تعلیم و تعلم نداریم... مفسرین بزرگ ما نیز عمده هم خود را صرف در یکی از این جهات (اسباب نزول، نکات بدیعی و...) یا بیشتر کرده و باب تعلیمات را به روی مردم مفتوح نکرده‌اند.»^{۱۰۸}

امام خمینی بر این باورند که: «تا کنون تفسیر برای کتاب خدا نوشته نشده... مفسرِ وقتی «مقصد» از نزول را بما فهماند مفسر است، نه «سبب» نزول به آن طور که در تفاسیر وارد است... کتاب خدا کتاب معرفت و اخلاق و دعوت به سعادت و کمال است؛ کتاب تفسیر نیز باید کتاب عرفانی اخلاقی و مبین جهات عرفانی و اخلاقی و دیگر جهات دعوت به سعادت آن باشد. مفسری که از این جهت غفلت کرده یا صرف نظر نموده یا اهمیّت به آن نداده، از مقصود قرآن و منظور اصلی انزال کتب و ارسال رسل غفلت ورزیده. و این یک خطائی است که قرن‌ها است این ملت را از استفاده از قرآن شریف محروم نموده و راه هدایت را به روی مردم مسدود کرده.^{۱۰۹} مقصود ما از این بیان نه انتقاد در اطراف تفاسیر است، چه که هر یک از مفسرین زحمت‌های فراوان کشیده و رنج‌های بی‌پایان برده تا کتابی شریف فراهم آورده **فَلَلَهُ دَرُّهُمْ وَعَلَى اللَّهِ أَجْرُهُمْ**، بلکه مقصود ما آن است که راه استفاده از این کتاب شریف را، که تنها کتاب سلوک الی الله و یکتا کتاب تهذیب نفوس و آداب و سنن الهیه است و بزرگتر وسیله رابطه بین خالق و خلق و عروه الوثقی و جبل المتین تمسک به عز ربوبیت است، باید به روی مردم مفتوح نمود. علماء و مفسرین تفاسیر فارسی و عربی بنویسند و مقصود آنها بیان تعالیم و دستورات عرفانی و اخلاقی و بیان کیفیت ربط مخلوق به خالق و بیان هجرت از دار الغرور به دار السرور و الخلود باشد... مفسر باید شئون الهیه را به مردم تعلیم کند، و مردم باید برای تعلّم شئون الهیه به آن رجوع کنند تا استفادات از آن حاصل شود... چه خسارتی بالاتر از این که سی - چهل سال کتاب الهی را قرائت کنیم و به تفاسیر رجوع کنیم و از مقاصد آن بازمانیم^{۱۱۰}

۵. استفاده‌های مقول از لوازم آیات

بازبینی روش‌های تفسیر قرآن عام است و مصادیق فراوانی دارد، در این بین امام امت به برخی از مصادیق آن عنایت بیشتری دارد که یکی از آنها «پذیرش استفاده‌های مقول از لوازم آیات» است. از منظر ایشان اگر کسی بر این باور باشد که جز آن که مفسرین نوشته یا فهمیده‌اند کسی را حق استفاده از قرآن شریف نیست و تفکر و تدبّر در آیات شریفه به تفسیر به رأی منجر خواهد شد، به باور باطلی گرفتار شده « و به واسطه این رأی فاسد و عقیده باطله قرآن شریف را از جمیع فنون استفاده عاری نموده و آن را بکلی مهجور نموده» است.^{۱۱۱}

^{۱۰۸}. آداب الصلاة، ص: ۱۹۳

^{۱۰۹}. آداب الصلاة، ص: ۱۹۳

^{۱۱۰}. همان، ص: ۱۹۵

^{۱۱۱}. آداب الصلاة، ص: ۱۹۹

استفاده‌های اخلاقی و ایمانی و عرفانی به هیچ وجه مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رأی باشد. مثلاً، اگر کسی از کیفیت گفتگوهای حضرت موسی با خضر در آیات ۶۰ الی ۸۲ سوره کهف، بزرگی مقام علم، و آداب سلوک متعلم با معلم را، استفاده کند، این ربطی به تفسیر ندارد تا تفسیر به رأی باشد.^{۱۱۲}

شاید بتوان گفت، برداشت‌های صحیح از آیات قرآن که با موازین علمی، عقلی و برهانی هماهنگ است، تفسیر به رأی محسوب نمی‌شود. حتی اگر ظاهر برخی از آیات مخالف برهان عقلی باشد، باید از آن ظاهر دست کشید چنانکه در آیات و جاء ربك^{۱۱۳}؛ و الرحمن على العرش استوی^{۱۱۴} که فهم عرفی مخالف با برهان است، رد این ظاهر و تفسیر مطابق با برهان تفسیر به رأی نیست و به هیچ وجه ممنوع نخواهد بود.^{۱۱۵}

در مجموع امام خمینی این احتمال را تقویت می‌کند که تفسیر به رأی راجع به آیات احکام باشد که دست آرا و عقول از آن کوتاه است^{۱۱۶}

۶. اصلاح روشهای آموزشی در حوزه و دانشگاه

یکی از مهمترین راهکارهای تثبیت مرجعیت علمی که از سخنان امام خمینی استفاده می‌شود، بازبینی اهداف، رویکردها، راهبردها و روشهای تحصیل در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها است. از نگاه امام خمینی، درسهای ادبیات، منطق، فلسفه، فقه، اصول و بسیاری دیگر از درسهایی که در حوزه علمیه تدریس می‌شود، مباحث مقدماتی بوده و بیم آن می‌رود که در حوزه‌های علمیه «بحث و تحقیق در مسائل مقدماتی مجالی برای پرداختن به مسائل اصلی و اساسی، که مورد عنایت قرآن کریم و نبی اعظم صلی الله علیه و آله و سایر انبیا و اولیا علیهم السلام است، باقی نگذارد.»^{۱۱۷} ایشان تأکید داشتند که «حوزه‌های علمیه همزمان با فراگرفتن مسائل علمی، به تعلیم و تعلم مسائل اخلاقی و علوم معنوی نیازمند است. راهنمای اخلاق و مربی قوای روحانی و مجالس پند و موعظه لازم دارد.»^{۱۱۸}

امام امت از این که درسهای اخلاق و تربیت، از دروس رسمی حوزه نبود، ناراضی بودند و می‌فرمود: برنامه‌های اخلاقی و اصلاحی، کلاس تربیت و تهذیب، آموختن معارف الهیه، که مقصد اصلی بعثت انبیا علیهم السلام می‌باشد، باید در حوزه‌ها رایج و رسمی باشد. متأسفانه در مراکز علمی به این گونه مسائل لازم و ضروری کمتر توجه می‌شود. علوم معنوی و روحانی رو به کاهش می‌رود، و بیم آن است که حوزه‌های علمیه در آتیه نتوانند علمای اخلاق، مرییان مذهب و آراسته و مردان الهی تربیت کنند.^{۱۱۹}

^{۱۱۲} . همان.

^{۱۱۳} . فجر / ۲۲

^{۱۱۴} . طه / ۵

^{۱۱۵} . آداب الصلاة، ص: ۲۰۰

^{۱۱۶} . همان.

^{۱۱۷} . جهاد اکبر، ص: ۱۲

^{۱۱۸} . جهاد اکبر، ص: ۱۲

^{۱۱۹} . همان.

امام بر این باور بودند که نه تنها در بحث مهجوریت زدایی از قرآن بلکه در سایر مباحث اسلامی نیز باید کارشناسان خبره و درد آشنای حوزه قیام کنند و اگر از حوزه ها اقدامی نشود از جای دیگر نمی توان توقع داشت.^{۱۲۰} باید اهل تحقیق به پا خاسته و دامن همت به کمر زده و تغییرات جدی در حوزه ها ایجاد کنند تا به تبع آن، جامعه نیز تغییر کند.^{۱۲۱}

از نگاه پیر جماران اهتمام به قرآن کریم در اوایل حضور در حوزه و بویژه در سنین جوانی لازم است. ایشان معتقد بودند: «اگر طلاب جوان، در سنین جوانی به مباحث قرآنی اهمیت لازم را ندهند، در اواخر عمر و آن زمان که گرد پیری بر چهره آنان می نشیند، از عملکرد خود پشیمان خواهند شد.^{۱۲۲}

چالش ها و موانع تحقق مرجعیت علمی

امام امت، در موارد فراوانی از حجابهای بین مردم و قرآن کریم یاد کرده است. این حجابها باعث مهجوریت بیش از پیش قرآن شده و اجازه نمی دهند مردم بتوانند از معارف قرآن استفاده بهینه کنند. به دیگر سخن، حجابهای یاد شده موانع تحقق مرجعیت علمی است. در ادامه به مهمترین موانع اشاره خواهیم کرد:

۱. حجاب علم

یکی از مهمترین موانع برای مرجعیت علمی قرآن کریم، خود علم است. از منظر حضرت امام، علم آثاری دارد که اگر در شخصی هویدا نشود، دانستنی هایش، بزرگترین حجاب را فرا روی وی می نهد به عنوان نمونه در روایت نبوی، اعتقادات با عنوان «آیه محکمه» یاد شده است. «آیه»، به معنای علامت و نشانه است. و اگر منظور از تعلیم و تعلم اعتقادات و دیگر دانشهای عقلی، وصول به حق تعالی و تحقق به اسماء و صفات و تخلق به اخلاق الله نباشد، آموخته هایش حجابهای بزرگی می شود که بصیرت او را کور خواهد کرد. و به تعبیر امام امت: گمان نکنند علمای مفاهیم و دانشمندان اصطلاحات و عبارات و حافظین کتب و مسفورات اهل علم بالله و ملائکه و یوم الآخرة هستند. اگر علوم آنها نشانه و علامت است، چرا در قلوب خود آنها تأثیرات نورانیت نکرده، سهل است، بر ظلمات قلوب و مفساد اخلاق و اعمال آنها افزوده!^{۱۲۳}

حضرت امام بارها بر جمله: «الْعِلْمُ هُوَ الْحِجَابُ الْأَكْبَرُ» تأکید^{۱۲۴} و تصریح کرده اند که علم حجاب بزرگی است که انسان را به همین مفاهیم کلیه عقلیه، سرگرم کرده و او را از راه باز می دارد.

^{۱۲۰} صحیفه امام، ج ۶، ص: ۴۰۱

^{۱۲۱} صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۹۳

^{۱۲۲} صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۹۴

^{۱۲۳} شرح چهل حدیث، ص: ۳۹۳

^{۱۲۴} رک: آداب الصلاة، ص: ۱۰ و ص: ۹۰؛ تعلیقات علی شرح «فصوص الحکم» و «مصباح الأُنس»، ص: ۲۸۰؛ تفسیر سوره حمد، ص: ۱۲۹؛

تقریرات فلسفه، ج ۱، ص: ۲۳۴؛ جهاد اکبر، ص ۱۸؛ شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص: ۱۷۰ و...

از نگاه نافذ امام، یکی از علل اختلاف علمی بین دانشمندان، علاقه هر دانشمند به دانشی است که خودش واجد آن است. از این رو دیگر دانشها را تخطئه می‌کند:

«انسان از باب اینکه خودخواه هست، مگر اینکه از این جلد بیرون برود، هر علمی را که یافته است، ادراک کرده و خوانده، همه کمالات را منحصر به آن می‌داند. فقیه خیال می‌کند غیر فقه چیز دیگر نیست در عالم؛ عارف هم خیال می‌کند غیر عرفان چیزی نیست؛ فیلسوف هم خیال می‌کند غیر فلسفه چیزی نیست؛ مهندس هم خیال می‌کند غیر هندسه چیزی نیست. حالا یا علم را فقط عبارت از آن می‌دانند که با مشاهده و با تجربه و اینها باشد، این را علم می‌دانند، ما بقی را دیگر علم نمی‌دانند... این حجاب بزرگی است برای همه.^{۱۲۵}»

از بررسی سخنان امام می‌توان به این نتیجه رسید که موانع فراروی مرجعیت علمی زیاد است ولی علم و دانش، غلیظ‌ترین و بزرگترین مانع است. دانشی که باید راهگشای مرجعیت علمی شود، سد راه می‌شود؛ علمی که باید انسان را هدایت کند، مانع از هدایت می‌شود. دانش بدون تهذیب، خودخواهی می‌آورد. وقتی علم در یک قلب غیر مهذب وارد بشود، انسان را به عقب می‌برد. چنین دانشی هر چه انباشته‌تر باشد، مصایبش زیادتر است.

امام امت قلب انسان غیر مهذب را همانند زمین شوره زار و سنگلاخی می‌داند که هیچ ثمری ندارد و هر چه در او بکارند، بی‌فایده است. چنین دانشی آدمی را از مبدء کمال دور می‌کند ولی اگر شخص خودش را تهذیب کند، علوم رسمی مانع «ذکر الله» نخواهد شد.^{۱۲۶}

علم بدون تهذیب، هر چند علم توحید، تفسیر و... باشد، باعث غروری می‌شود که انسان را از خدا بکلی بازمی‌دارد.^{۱۲۷}

۲. دوری مسلمانان از معارف قرآنی اهل بیت

یکی از حقایق تلخ تاریخ، روی گردانی جامعه اسلامی از روش و راه مفسران واقعی و دانایان حقیقی کتاب الهی است. و هر چه جامعه از این حقیقت دورتر شود، از قرآن نیز دورتر خواهد شد. و شاید از همین روست که در زیارت سیدالشهدا می‌خوانیم: أصبح کتاب الله بفقدك مهجورا.^{۱۲۸} فقدان امامان تنها به فقدان جسم آنان نیست بلکه دور شدن و از دست دادن تفسیر، عقاید، سنن و علوم ائمه (علیهم‌السلام)، از دوری و فقدان بدن مطهر آنان به مراتب سخت‌تر و دردآورتر است. دور شدن از معارف قرآنی اهل بیت پیامدهای منفی فراوانی داشت که یکی از آنها جابجا شدن تفسیر حقیقی قرآن با برخی از دانشهای قرآنی کم‌فایده بود. دور شدن از عدل قرآن کار را به جایی رساند که دانشمندان قرآن پژوه به جای فهم قرآن به دانشهایی روی آوردند که هیچگام از جانب

^{۱۲۵} . تفسیر سوره حمد، ص: ۱۳۹

^{۱۲۶} . تفسیر سوره حمد، ص: ۱۴۰

^{۱۲۷} . همان.

^{۱۲۸} . بحار الأنوار ج ۹۸، ص ۳۷۵

اهل بیت مورد تشویق جدی قرار نمی گرفت و به نوشته مرحوم حاج آقامصطفی خمینی: تجوید و اختلاف قرائت، گویا از وسایل تأمین معیشت و از موجبات تقرب یافتن به سلاطین و امرا و راه یافتن به دربار آنان بوده است که مذهب شیعه در این گونه امور هیچ گاه دستی نداشته است و هیچ یک از قراء منا اهل البیت نبوده است.^{۱۲۹}

در مقدمه مفصل وصیت نامه سیاسی - الهی خود که در واقع آخرین دیدگاه‌های ایشان درباره مسائل مختلف است، نیز بر این نکته تأکید شده که دوری از اهل بیت، سبب دوری از قرآن نیز شده است. ایشان می نویسد: شاید جمله «لن یفترقا حتی یردا علی الحوض^{۱۳۰}» اشاره باشد، بر این که بعد از وجود مقدس رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هر چه بر یکی از این دو گذشته است بر دیگری گذشته است و مهجوریت هر یک، مهجوریت دیگری است، تا آن گاه که این دو مهجور بر رسول خدا در «حوض» وارد شوند... اکنون بینیم چه گذشته است بر کتاب خدا، این و دیعه الهی و ما ترک پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم). مسائل اسف انگیزی که باید برای آن خون گریه کرد، پس از شهادت حضرت علی (علیه السلام) شروع شد، خود خواهان و طاغوتیان قرآن کریم را وسیله ای کردند برای حکومت‌های ضد قرآنی... و با قرآن در حقیقت قرآن را، که برای بشریت تا ورود به حوض، بزرگ‌ترین دستور زندگانی مادی و معنوی بوده و هست، از صحنه خارج کردند.^{۱۳۱}

۳. احساس بی نیازی از قرآن

یکی دیگر از چالش‌های اصلی مرجعیت علمی که در سخنان برخی از دانشمندان از جمله امام امت آمده، احساس بی نیازی دانشمندان از قرآن کریم است آیت الله علامه طباطبایی تأکید می کند که علوم اسلامی به گونه ای تنظیم شده که گویی هیچ احتیاجی به قرآن ندارد، حتی ممکن است یک محصل همه آن علوم را فرا بگیرد متخصص در صرف و نحو بیان و لغت و حدیث و رجال و درایه و فقه و اصول بشود، و همه این درسها را تا آخر بخواند و به عالی ترین درجات این علوم و حتی به اجتهاد نیز برسد، ولی قرآن را آن طور که باید نتواند قرائت کند، و یا به عبارتی اصلا دست به هیچ قرآنی نزده باشد، پس معلوم می شود از این دیدگاه هیچ رابطه ای میان آن علوم و میان قرآن نیست و در حقیقت مردم در باره قرآن به جز قرائت هیچ وظیفه ای ندارند، و العیاذ باللّٰه قرآن ارزشی ندارد، جز خواندن و یا آویزان کردن به گردن نوزاد جهت حفظ از حوادث ناگوار.^{۱۳۲}

امام امت نیز هنگام بیان موانع استفاده از قرآن کریم، یکی از موانع را احساس بی نیازی بر شمرده می نویسد:

^{۱۲۹} . خمینی، مصطفی، ج ۱، ص ۴۳۰

^{۱۳۰} أمالی، شیخ طوسی ص ۲۵۵ / احتجاج، شیخ طبرسی ج ۱ ص ۲۱۷ / مسند ابن جعد، علی بن جعد بن عبید ص ۳۹۷ / خصائص امیر

المؤمنین (ع)، نسائی ص ۹۳ / معجم صغیر، طبرانی ج ۱، ص ۱۳۵ / معجم کبیر، طبرانی ج ۳، ص ۶۵ / کنز العمال، متقی هندی ج ۱، ص ۱۷۲

^{۱۳۱} . وصیت نامه سیاسی - الهی، ص ۲ - ۱.

^{۱۳۲} . المیزان، ج ۵، ص ۲۷۶ / ترجمه المیزان، ج ۵، ص ۴۵۰

«یکی از حجابهای بزرگ حجاب خودبینی است که شخص متعلم خود را به واسطه این حجاب مستغنی بیند و نیازمند به استفاده ندادند. و این از شاهکارهای مهم شیطان است که همیشه کمالات موهومه را بر انسان جلوه دهد و انسان را به آنچه که دارد راضی و قانع کند و ما وراء آنچه پیش او است هر چیز را از چشم او ساقط کند.^{۱۳۳}»

۴. دنیا گرایی

از نگاه اسلام، دنیا مزرعه‌ای برای آخرت و دنیاپرستی مذموم است. دنیاپرستی مشکلات فراوانی برای انسان ایجاد می‌کند که یکی از آنها، دور کردن بشر از معنویت است. به تعبیر امام خمینی: یکی از حجابهایی که پرده ضخیم بین ما و معارف و مواعظ قرآن می‌افکند، حجاب حبّ دنیا است که به واسطه آن قلب تمام همّ خود را صرف آن کند و وجهه قلب یکسره دنیاوی شود؛ و قلب به واسطه این محبت از ذکر خدا غافل شود و از ذکر و مذکور اعراض کند. و هر چه علاقمندی به دنیا و اوضاع آن زیادت شود، پرده و حجاب قلب ضخیمتر گردد.^{۱۳۴}

از نگاه امام ممکن است منظور از قفلهای قلب در آیه شریفه «اَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ اَمْ عَلٰى قُلُوْبٍ اَقْفَالُهَا»،^{۱۳۵} همین قفل و بندهای علایق دنیوی باشد. و کسی که بخواهد از معارف قرآن استفاده کند، باید قلب خودش را از این پلیدیها پاک کند^{۱۳۶}

امام امت با استشهاد به آیه «اِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيْمٌ فِی كِتَابٍ مَّكْنُوْنٍ لَا يَمَسُّهُ اِلَّا الْمُطَهَّرُوْنَ» تأکید می‌کند: همانگونه که مسّ ظاهر قرآن برای ناپاکان تشریحاً و تکلیفاً ممنوع است، درک معارف، مواعظ، باطن و سرّ قرآن برای کسی که قلبش به پلیدی های دنیوی ناپاک شده، ممنوع است.^{۱۳۷}

۵. باورهای ناصواب

از نگاه امام امت، اعتقادات فاسد یکی از بزرگترین مشکلات فراروی مرجعیت علمی قرآن است. باورهای ناصحیح باعث می‌شود، یک عقیده هر چند مخالف قرآن کریم باشد، در ذهن فرد راسخ و مستحکم شود و فرد همه آیات و روایاتی که در نفی و رد آن نظریه وجود دارد را تأویل کند. خمینی کبیر در این باره می‌نویسد:

یکی دیگر از حجب، حجاب آراء فاسده و مسالک و مذاهب باطله است؛... و این از حجبی است که مخصوصاً از معارف قرآن ما را محجوب نموده. مثلاً، اگر اعتقاد فاسدی به مجرد استماع از پدر و مادر یا بعض از جهله از اهل منبر در دل ما راسخ شده باشد، این عقیده حاجب شود ما بین ما و آیات شریفه الهیه؛ و اگر هزاران آیه و روایت وارد شود که مخالف آن باشد، یا از ظاهرش مصروف کنیم و یا به آن به نظر فهم نظر نکنیم.^{۱۳۸}

^{۱۳۳} . آداب الصلاة ، ص: ۱۹۵

^{۱۳۴} . آداب الصلاة ، ص: ۲۰۲

^{۱۳۵} محمد، ۲۴

^{۱۳۶} . آداب الصلاة، همان.

^{۱۳۷} . همان.

^{۱۳۸} . آداب الصلاة ، ص: ۱۹۷

امام این مانع را بزرگ می‌داند و تصریح می‌کند با تذکر افرادی همانند ایشان نیز این حجاب از رخ زیبای معارف قرآنی زدوده نخواهد شد. از نگاه وی مسئله لقاء الله از زمره مسائلی است که به خاطر برخی عقاید ناصواب آیات و روایاتی که راجع به لقاء الله و معرفه الله وارد شده و همه اشارات و کنایات و تصریحاتی که در ادعیه و مناجاتهای ائمه علیهم السلام موجود است، رها شده و با این تصور که راه معرفه الله بکلی مسدود و همانند تفکر در ذات خداوند است، بسیاری از افراد خود را از این معارف ناب محروم می‌کنند و گاه دم زدن از آن را کفر و زندقه می‌شمرند.^{۱۳۹}

۶. بستن باب فهم و نوآوری از قرآن

یکی دیگر از موانع برای تحقق مرجعیت علمی قرآن که از سخنان امام خمینی استفاده می‌شود، بستن باب فهم و نوآوری از قرآن است. به نظر ایشان نباید کسی تصور کند تنها آنچه مفسران فهمیده اند صحیح و آنچه مفسران نفهمیده اند، تفسیر به رأی است.^{۱۴۰}

این بدان معنا نیست که همگان حق دارند، قرآن کریم را هر گونه که می‌خواهند تفسیر کنند، چنانکه امام امت این برداشتهای غیر صحیح را بر نمی‌تابد و همگان را از اینگونه تفسیرهای غیر صحیح و بدون ضوابط باز داشته است:

«اشخاصی که رشد علمی زیاد پیدا نکرده‌اند، جوانهایی که در این مسائل و در مسائل اسلامی وارد نیستند، کسانی که اطلاع از اسلام ندارند، نباید اینها در تفسیر قرآن وارد بشوند و اگر روی مقاصدی آنها وارد شدند، نباید جوانهای ما به آن تفاسیر اعتنا کنند؛ و از چیزهایی که ممنوع است در اسلام «تفسیر به رأی» است. که هر کسی آرای خودش را تطبیق کند بر آیاتی از قرآن، و قرآن را به آن رأی خودش تفسیر و تأویل کند و یک کسی مثلاً اهل معانی روحیه است، هر چه از قرآن [به] دستش می‌آید تأویل کند و برگرداند به آن چیزی که رأی اوست؛ ما باید از همه این جهات احتراز کنیم؛ و لهذا دست ما در باب قرآن بسته است. میدان چنان باز نیست که انسان هر چه به نظرش آمد بخواهد نسبت بدهد، که قرآن این است، این را می‌گوید.^{۱۴۱}»

۷. ترسیم چهره دست نیافتنی از قرآن

روایات صحیحی که در باره عدم جواز تفسیر به رأی وارد شده و روایاتی که فهم قرآن را به «من خوطب به» اختصاص داده اند، باعث شده برخی تصور کنند، اصولاً قرآن کریم چهره‌ای قدسی، دست نیافتنی و غیر قابل فهم دارد. مردم نیز وظیفه دارند به جای تفکر و تدبر در آیات، به تلاوت ظاهر آیات بسنده کنند. این طرز فکر که در کلام برخی از بزرگان نیز بدان اشاره شده، یکی از بزرگترین عوامل مهجوریت قرآن کریم و دوری از مرجعیت علمی قرآن است.

^{۱۳۹} . آداب الصلاة ، ص: ۱۹۸

^{۱۴۰} . آداب الصلاة ، ص: ۲۰۰

^{۱۴۱} . تفسیر سوره حمد، ص: ۹۴

امام امت ضمن توجه دادن به احادیث « إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِّطَ بِهِ » تأکید دارند که منظور از این روایات استفاده کامل و فهم جامع کلام الله مجید است که اختصاص به معصومان دارد. ایشان همانگونه که در روایات نیز آمده است، قرآن کریم را به سفره گسترده الهی تشبیه می کنند که همگان می توانند به اندازه توان و ظرفیت خودشان از آن استفاده کنند.^{۱۴۲} در نتیجه هر چند حقیقت قرآن برای ما دست نیافتنی است ولی این مطلب نباید مانع استفاده از کلام الهی شود.^{۱۴۳}

ترسیم چهره دست نیافتنی، حجابی است که مانع فهم و تدبر در قرآن و استفاده از آن می شود و به تعبیر امام، کتاب زندگی و کمال و جمال، در حجاب های خود ساخته ما پنهان شده است و این گنجینه اسرار فرینش در دل خروارها خاک کج فکری های ما دفن و پنهان گردیده است و زبان انس و هدایت و زندگی، و فلسفه زندگی ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر، تنزل کرده است.^{۱۴۴}

۸. سیاست های استکباری و استعماری

بدون شک یکی دیگر از موانع بزرگ فراوری مرجعیت علمی قرآن کریم، موانع بیرونی و سیاست های استکباری زورگویان و زرمداران در طول تاریخ است که نخواسته و نمی خواهند قرآن کریم، وارد جامعه شده و برای پرتو افکنی این نورافکن الهی مانع ایجاد می کنند. امام خمینی در این باره معتقد است: « یکی از کارهای بزرگی که شده است و گمانم این است که آنها را آن شیاطین کرده اند، این است که قرآن و اسلام را آن طوری که هست نگذاشتند ما مسلمانان بفهمیم، این تبلیغات حتی در عمق حوزه های دینی نجف و قم نفوذ کرده است. برای این که یکی از خطرهایی که برای خودشان می دیدند، همین بود که اگر اسلام را آن جوری که هست بفهمند، همه به آن رو می آورند و برای آنها دیگر مقام باقی نمی ماند.»^{۱۴۵}

ایشان در جای دیگر ضمن اشاره به مشکل فوق گوید:

(از) مسائل اسف انگیزی که باید برای آن خون گریه کرد، پس از شهادت حضرت علی (علیه السلام) شروع شد، خود خواهان و طاغوتیان قرآن کریم را وسیله ای کردند برای حکومت های ضد قرآنی... و با قرآن در حقیقت قرآن را، که برای بشریت تا ورود به حوض، بزرگ ترین دستور زندگانی مادی و معنوی بوده و هست، از صحنه خارج کردند^{۱۴۶}

۹. ضعف عملکرد دانشمندان دین مدار

^{۱۴۲} . تفسیر سوره حمد، ص: ۱۷۱

^{۱۴۳} . آداب الصلاة، ص: ۱۹۲

^{۱۴۴} . صحیفه نور ج ۲۰، ص ۲۲۹.

^{۱۴۵} . همو؛ صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۰۵

^{۱۴۶} . وصیت نامه سیاسی - الهی، ص ۱ - ۲.

یکی دیگر از موانع اصلی فراروی مرجعیت علمی قرآن، ضعف عملکرد عالمان دینی است که در سخنان بسیاری از بزرگان نیز بازتاب یافته است.

آیت الله شهید مطهری، از این که نسل امروز با قرآن آشنا نیست اظهار تأسف می کند و یکی از علل آن را ضعف عملکرد حوزه های علمیه به عنوان متولیان دین دانسته و تأکید می کند قرآن کریم بین حوزویان نیز غریب و مهجور است و به تعبیر دیگر حتی قرآن کریم در حوزها نیز مرجع نیست. او از حوزویان می پرسد چرا اگر کسی مثلاً کفایه آخوند ملا کاظم خراسانی را بداند، یک شخص محترم و با شخصیتی شمرده می شود ولی اگر کسی عمر خود را صرف قرآن کند، به هزار سختی و مشکل دچار می شود، از نان، زندگی، شخصیت، احترام و از همه چیز محروم می شود؟ نتیجه چنین رویکردی در حوزه ها این است که هزارها نفر پیدا می شوند که کفایه را چهار لا بلد باشند، یعنی خودش را می دانند، رد کفایه را هم می دانند، رد آن را هم می دانند، رد آن را هم می دانند؛ اما کسانی که علوم قرآن را به درستی بدانند، در حوزه ها کمتر یافت می شوند.^{۱۴۷}

علامه طباطبایی نیز از این که علوم حوزوی قرآن مدار نبوده و به گونه ای تدوین شده که گویی هیچ احتیاجی به قرآن ندارد، سخت نگران بود.^{۱۴۸}

امام امت نیز از حوزه های علمیه انتظار داشت، نهضت علمی بازگشت به قرآن کریم را پایه گذاری کرده و به همه شئون قرآن توجه کنند: «هان ای حوزه های علمیه و دانشگاه های اهل تحقیق بپاخیزید و قرآن را از شر جاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عهد به قرآن و اسلام تاخته و می تازند، نجات دهید... شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه ها و دانشگاه ها را از توجه به شوونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلامی خود قرار دهید.»^{۱۴۹}

امام خمینی از دانشمندان و روحانیون می خواست کمر همت بسته و سعی کنند به وظیفه، دینی خود عمل کنند: «از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که (تبیان کل شی) است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیده است، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی.... خدای نخواست مباد که مهجور شود.... هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است. از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست.»^{۱۵۰}

^{۱۴۷} . مطهری، مرتضی؛ ده گفتار، ص ۲۲۲ - ۲۱۹.

^{۱۴۸} . المیزان، ج ۵، ص ۲۷۶ / ترجمه المیزان، ج ۵، ص ۴۵۰

^{۱۴۹} همو، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۰.

^{۱۵۰} همو، صحیفه نور ج ۲۰، ص ۲۰

امام خمینی از این که دانشمندان اسلامی، جامع نگر نبوده و به قرآن نگاه کامل و جامع نداشتند ناراحت و نگران بودند. ایشان به عنوان نمونه از عارفانی یاد می کند که همه مباحث را به آن سو می کشیدند و در برابر آنان کسانی قرار داشتند که همه معنویات را به سوی امور دنیوی برمی گردانند؛ گویا اسلام تنها برای این آمده که دنیای مردم را اصلاح کند.^{۱۵۱}

امام نگاه تک بعدی به اسلام را فاجعه ای برای اسلام می داند و از برخی فلاسفه، متکلمان و عارفانی یاد می کند که در گذشته بودند و به فراخور دانشی که داشتند تنها یک بعد اسلام را دیده و همه را در نگاه محدود خودشان خلاصه می کردند. در برابر این افراد کسانی هستند که امروزه پیدا شده، همه معنویات اسلام را به کناری نهاده اند یعنی آن ابعادی که اسلام در معنویات داشته است، در فلسفیات داشته است، در عرفانیات داشته است، آنها را بکلی کنار گذاشته اند و همین ورق ظاهر را دیده اند؛ یعنی اسلام را یک مکتب مادی تصور کرده اند.... حتی آیاتی که راجع به جهاد با مشرکان است را هم به قتال با نفس و امثال آن توجیه کرده اند.^{۱۵۲}

نتایج تحقیق:

۱. مناسب ترین منظور دست یافتنی از مرجعیت علمی قرآن، هماهنگ سازی اهداف علوم با اهداف قرآن کریم است. همانگونه که مهمترین هدف از نزول قرآن کریم، انسان سازی و رشد معنوی انسان است، همه دانشها باید در همین راستا هدفگذاری شود.
۲. بر این اساس که منظور از مرجعیت علمی قرآن هماهنگ سازی اهداف قرآن با اهداف علوم باشد، مرجعیت علمی قلمرو کاملی داشته و قرآن کریم، مرجع همه علوم طبیعی و انسانی است.
۳. مهمترین مبانی مرجعیت علمی از منظر امام خمینی عبارت است از: دست نیافتنی بودن حقیقت قرآن، جامعیت، جاودانگی، بیان عمومی و خصوصی، زبان سهل ممتنع، قرآن و تحریف ناپذیری قرآن هستند که اصول مرجعیت علمی از آنها قابل استخراج است.
۴. برای تثبیت مرجعیت علمی قرآن، بیشترین انتظار از حوزه های علمیه می رود.
۵. مهمترین راهکارهای تثبیت مرجعیت علمی که از سخنان امام قابل استخراجند عبارتند از: توجه به اهداف نزول و عظمت قرآن، تلاش مستمر علمی، بازبینی روش تفسیر و فهم قرآن، استفاده های مقعول از لوازم آیات، اصلاح روشهای آموزشی در حوزه و دانشگاه.
۶. تحقق مرجعیت علمی با چالش ها و موانع جدی مواجه هستند که: حجاب علم، دوری مسلمانان از معارف قرآنی اهل بیت، احساس بی نیازی به قرآن، دنیا گرایی، باورهای ناصواب، بستن باب فهم و

^{۱۵۱} . صحیفه امام، ج ۸، ص ۵۳۰

^{۱۵۲} . صحیفه امام، ج ۴، ص: ۷

نوآوری از قرآن، ترسیم چهره قدسی و دست نیافتنی از قرآن، سیاست‌های استکباری و استعماری و ضعف عملکرد دانشمندان دین مدار مهمترین موانع هستند

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن سینا، ابوعلی، حسین بن عبد الله، الشفاء (منطق، مبحث جدل)، محقق: ابراهیم مدکور، قاهره: دار المصریه، ۱۳۸۵ق.
۴. احمد امین، راه تکامل، ترجمه: امامی، بهشتی و لاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶ ش.
۵. امام خمینی، جهاد اکبر، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۹۴
۶. _____، سر الصلاة (معراج السالکین و صلاة العارفين)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ ششم: تابستان ۱۳۷۸
۷. _____، صحیفه نور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰
۸. _____، تعلیقات علی شرح «فصوص الحکم» و «مصباح الأنس» انتشارات مؤسسه «پاسدار اسلام
۹. _____، تفسیر سوره حمد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی،
۱۰. _____، تقریرات فلسفه، شرح منظومه، تقریر آیه الله سید عبد الغنی اردبیلی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
۱۱. _____، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۹۴
۱۲. _____، صحیفه امام، تهران. ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۱۳. _____، وصیت نامه سیاسی - الهی؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)،
۱۴. _____، شرح حدیث جنود عقل و جهل، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)،
۱۵. _____، آداب الصلاة (آداب نماز)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) چاپ اول: بهار ۱۳۷۰
۱۶. انوری حسن و دیگران، فرهنگ بزرگ سخن، اول، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۱ ش.
۱۷. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، نشر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۱۸. بهجت پور، عبدالکریم، تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول) مبانی اصول قواعد و فواید، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲
۱۹. جوادی آملی، عبد الله، زن در آینه جلال و جمال

۲۰. حر عاملی، محمد حسن، وسائل الشیعه، قم: ال بیت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۱۲ق.
۲۱. خمینی (سید مصطفی)، تفسیر القرآن الکریم، تدوین: ایازی، محمد علی، ناظر: معرفت، محمد هادی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، موسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۵
۲۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: موسسه لغت نامه و دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ و نشر دیجیتالی مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان
۲۳. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن مفضل، محاضرات الادباء، به کوشش عمر الطباع، بیروت: دارالقلم، ۱۴۲۰ق
۲۴. رضایی اصفهانی؛ محمد علی پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمد علی رضائی اصفهانی، سوم، قم، کتاب مبین، ۱۳۸۱ ش.
۲۵. _____، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۶۵ ش.
۲۶. _____، درسنامه ی روش ها و گرایش های تفسیری قرآن (منطق تفسیر قرآن) تدوین دفتر تدوین متون و برنامه ریزی درسی مشخصات نشر: قم مرکز جهانی علوم اسلامی ۱۳۸۲.
۲۷. زبیدی، محمد بن محمد بن عبد الرزاق؛ تاج العروس؛ به کوشش علی شیری؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق
۲۸. سعدی، گلستان سعدی، باب هشتم.
۲۹. شریعتمداری، علی، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۰
۳۰. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت آل یس
۳۱. صدوق، محمد بن علی (شیخ صدوق)، علل الشرائع، به کوشش بحر العلوم، نجف: مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ق.
۳۲. _____، من لایحضره الفقیه، مقدمه و تصحیح: غفاری، علی اکبر، جلد: ۱، قم: جامعه مدرسین علمیه قم، دفتر انتشارات،
۳۳. طباطبایی، محمد حسین (علامه طباطبایی)، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، چ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۴. _____، مترجم: موسوی، محمد باقر، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۳۵. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، به کوشش حمدی عبدالمجید، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
۳۶. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مصحح: موسوی خراسان، محمد باقر، جلد ۲، مشهد مقدس، نشر المرتضی، ۱۳۸۶ق.

۳۷. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، به کوشش محمود عادل و احمد حسینی، دوم، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ ق
۳۸. طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، امالی، مترجم: حسن زاده، صادق، جلد: ۱، قم: اندیشه هادی، ۱۳۸۸
۳۹. عیاشی، ابونصر محمد بن مسعود سمرقندی، تفسیر عیاشی، قم: مؤسسه البعثه، ۱۳۷۸ ش / ۱۴۱۹ ق
۴۰. فخررازی، محمد بن عمر؛ التفسیر الکبیر؛ قاهره (بی تا)، چاپ افست تهران.
۴۱. قندوزی حنفی، ینابیع الموده، به کوشش علی جمال اشرف، تهران: اسوه، ۱۴۱۶ ق
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، حاشیه نویس: شعرانی، ابوالحسن، مصحح: غفاری، علی اکبر، تهران: دارالکتاب الاسلامیه،
۴۳. متقی هندی، علماء الدین علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق: شیخ بکری حیاتی، الشیخ صفوه السقا، مؤسسه الرساله، بیروت ۱۴۰۹ ق.
۴۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، جلد ۲۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق
۴۵. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائره المعارف قرآن کریم، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۹
۴۶. مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن، قم: در راه حق، ۱۳۷۳.
۴۷. مطهری، مصطفی، مجموعه اثار شهید مطهری، جلد ۱۶، تهران: صدرا، ۱۳۷۷.
۴۸. معرفت، محمد هادی، صیانه القرآن من التحریف، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول: ۱۴۱۳ ق.
۴۹. _____، علوم قرآنی، اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹ ش
۵۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۷۱ ش.
۵۱. مناوی، محمد، التوقیف علی مهمات التعاریف، به کوشش محمد رضوان الدایه، بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۰ ق.
۵۲. منصور لاریجانی، اسماعیل، انسان شناسی، تهران، انتشارات مهدی القرآن، ۱۳۸۵
۵۳. نسایی، احمد بن شعیب، خصائص امیر المؤمنین علیه السلام، قم: دارالثقلین، ۱۴۱۹ ق.
۵۴. نوبری، علی رضا، بررسی تفسیر علمی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله؛ منتشر شده در مجموعه مقالات همایش اندیشه های قرآنی امام خمینی (س)
۵۵. نورائی، محسن و دیگران اعجاز عرفانی قرآن از منظر امام خمینی (ره)، محسن نورائی، محمد شریفی و فاطمه هدایتی؛ ارائه شده در اولین همایش اعجاز قرآن، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۱.